

سنتزی از دلِ «خوشه‌سار بومی»

کتاب «محیط‌زیست از نگاه هنرمندان» رونمایی شد

روایت ویرانی زمین به زبان هنر

گزارشی از خشکیدگی جنگل‌های کرانه‌ای، بی‌خبری عمومی و پرسش‌هایی که هنوز بی‌پاسخ مانده‌اند

خاموشی سبز در «جارجرود»



معدّل اجباری

مدارس با اعتراض به استقبال تعطیلات تابستانی می‌روند

طرح ساخت شهرسازی در «سرخه‌حصار» روی میز شهرداری تهران

منابع طبیعی: مجوز ندادیم

زیر بار «آب‌بری»

اهالی ۸ روستا در خراسان رضوی برای تأمین آب شرب، روزانه ۱۰ کیلومتر راه را نزدیک‌ترین شهر طی می‌کنند

سایه دوباره جنگ بر سر خوزستان

یادداشت

وقتی زندگی غیر عادی عادی می‌شود



اشبم شکوریان | روزنامه‌نگار

خبر

غیبت سه خبرنگار ایرانی در مراسم جایزه بین‌المللی در برن

سه روزنامه‌نگار ایرانی نامزد جایزه بین‌المللی «گزارش واقعی» (True Story) به دلیل نبود امکان دریافت ویزا از سفارت سوئیس در ایران، نتوانستند در مراسم اهدای جوایز این رویداد در شهر برن حضور پیدا کنند.

برندگان جایزه «گزارش واقعی» ۲۰۲۶ در برن سوئیس معرفی شدند. این مراسم با حضور بیش از ۳۵۰ مهمان به میزبانی «ماریکه کرویت»، شهردار و رئیس دولت‌شهر برن برگزار شد. این در حالی است که سه روزنامه‌نگار ایرانی که نامزد دریافت این جایزه بودند، نتوانستند در این مراسم حضور یابند.

در این دوره، «ستاره حجتی» با گزارش «آلودگی ارس؛ معمای که با هر پاسخ پیچیده‌تر می‌شود» منتشرشده در روزنامه «پیام ما»، «سوکال دانایی» با گزارش «بی‌حسی موضعی» در شبکه «آفتاب» و «مریم شکرانی» با گزارش «یک‌تکه زمین فقیر» در روزنامه «شرق» از نامزدهای جایزه بودند.

در این شرایط، هیئت داوران جشنواره، «هدی عثمان» و «اما گراهام - هریسون» را به‌عنوان برنده بخش «پژوهش»، «سامح اللبودی» را به‌عنوان برنده بخش «تأثیرگذاری» و «مازین کاپاروس» را به‌عنوان برنده بخش «روایتگری» معرفی کرد.

جایزه و جشنواره «گزارش واقعی» در سال ۲۰۱۹ از سوی بنیاد «True Story» با هدف حمایت از روزنامه‌نگاری مستقل و تقویت نقش رسانه‌ها راه‌اندازی شده و از خبرنگارانی تقدیر می‌کند که با آثار خود در آگاهی‌بخشی و شکل‌دهی به افکار عمومی نقش دارند.

خطر از جایی شروع می‌شود که تهدید واضطرار به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شود

خبرهای مربوط به تنش دیگر شوک‌آور نباشند

آرام‌آرام در پس‌زمینه زندگی جا بگیرند

یادداشت

بازی خطرناک با واژگان

کرد و آموزش داد که به‌دور از هر نوع اندیشه شوینستی و افراطی، کشور خود را دوست بدارند و انگ وطن‌فروشی و القا و ایجاد دودستگی، جامعه را به خودی و غیرخودی و در نهایت افراط رهنمون و انواع خشونت را مشروعیت می‌بخشد. این مورد به‌ویژه در خصوص افراد مهاجرت کرده نیز صادق است. در نظر داشته باشیم که افراد بخاطر تنگناها، مخاطرات و گرفتاری‌های زیاد مجبور به جلای وطن می‌شوند و سرمایه‌های مادی و معنوی خود را در کشور مبدأ رها باید خائن به مملکت دانست. اصلاً وطن‌فروش به چه کشور را ترک می‌کنند. این افراد را نه می‌توان و نه باید خائن به مملکت دانست. حتی در محث جرم‌شناسی متأخر معناست؟ فروشنده کیست؟ خریدار چه کسی است؟ مگر می‌شود کشور ۹۰ میلیونی تاریخی را فروخت؟ باید دانست که دغدغه امروز ملت چیز دیگری‌ست. نباید اندک فضای تنفس باقی‌مانده را با انگ‌زنی و تهدید بر روی هم بندیم. حتی در محث جرم‌شناسی متأخر نیز انگ‌زنی محکوم و به حاشیه رانده شده است؛ اما به نظر برخی در جامعه با ابزار زور و قدرت سعی در شیوع آن دارند. نمی‌توان و نباید از ملت زخمی از جنگ و اعتراضات با انبوهی از فشارهای اقتصادی، که انگ وطن‌فروش نیز خورده است، انتظار همیاری و انسجام داشت. سخن آخر اینکه کشور نه به وطن‌پرست و طبیعتاً نه به برساختی همچون وطن‌فروش نیاز دارد. ایران نیازمند شهروندانی آزاده است که با تفکر و تعقل و از روی آگاهی (نه تعصب و به‌دور از هر گونه حس برتری‌جویی نسبت به عرب و عجم) موطن خود را دوست بدارند و با چنگ‌زدن به واقعیات موجود نقاط ضعف و قدرت آن را شناخته و در جهت رفع آن کوشش نمایند.

که به چه معنا هستند و شامل چه کسانی می‌شود بعد آنها را به کار گیریم. لغات مناقشه‌برانگیز «وطن‌فروش» و «وطن‌پرست» نیز از این سری کلمات هستند. معنای جدید وطن به‌عنوان یک واحد جغرافیایی و سیاسی مشخص که با مفهوم ملیت و حاکمیت سیاسی ملت‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد، در فرهنگ بشری سابقه چندین دیرینه‌ای ندارد. در ایران در عصر ناصری و در جریان نهضت مشروطه‌خواهی، در نتیجه آشنایی با مظاهر فرهنگ و مدنیت غرب، مفهوم جدید «وطن» به‌عنوان یک عنصر فرهنگی، به فرهنگ ایران راه یافت. بعدها کلمه وطن یا «میهن»، علی‌رغم فواید کاربردی که داشتند در برخی موارد برداشت‌هایی رادیکال و افراطی و مخرب به خود گرفته و با نفی آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی آلت دست دیکتاتوری‌ها برای بسط اندیشه‌های توسعه‌طلبانه قرار گرفتند و در نهایت مشابه آنچه در آلمان، ژاپن و ایتالیا روی داد جهانی را درگیری خونریزی و کشتار کرد. به اعتقاد نگارنده این یادداشت اساساً هر دو واژه وطن‌پرست و وطن‌فروش دربردارنده اندیشه‌های افراطی‌اند؛ اولی برای جذب تندروها و دیگری انگ برای طرد دگراندیشان است. پر واضح است که در شرایط معمولی هر انسانی طبیعتاً به خانه و کاشانه خود دلپستگی دارد؛ زیرا که محل رشد و نمو و تعالی اوست و حال و آینده او به سرنوشت سرنهینش بستگی دارد و آنچه که بی‌مهری و دشمنی افراد به موطن خود برداشت می‌شود، اغلب متوجه حکمرانان استبدادی است تا تام میهن. در نتیجه شهروندان یک کشور را باید به‌گونه‌ای هدایت



احسان امینیایی | جامعه‌شناس

واژگان به دنیای ما نه تنها معنا و اعتبار می‌دهند؛ بلکه آن را می‌سازند. این قابلیت، انسان را منحصر به فرد ساخته است. بیهوده نیست که بشر را حیوان ناطق نامیده‌اند و این توانایی را تا این حد متمایزکننده و مهم دانسته‌اند. انسان با زبان به طبیعت بی‌جان، جان می‌بخشد و درعین حال می‌تواند بر اساس احساسات و علائق خود واقعیت را برعکس جلوه و دنیای متفاوت از آنچه هست ارائه دهد. در اغلب موارد دنیای ذهنی ما نه واقعیت و حقیقت بلکه برداشت و بار عاطفی ما است که به رویدادهای بیرونی نسبت و تعمیم می‌دهیم و الزاماً نمی‌تواند درست باشد و اغلب همراه با مغالطات است. معنا و درک ما از واژگان زبیده زمان، مکان و به‌ویژه فرهنگ است و می‌تواند مثبت، خنثی و گاهی خطرناک و منفور باشد. مثلاً استرس و هیجان دو کلمه نزدیک به هم هستند؛ اما یکی می‌تواند بار معنایی مثبت و دیگری بار معنایی منفی داشته باشد. امکان دارد یک واژه زمانی تابو و جرم و در دوره دیگر مزیت تلقی شود نمونه آن واژه «سرمایه» و «سرمایه‌داری» در کشور چین است که تا زمان حیات «مائو» کلمه‌ای نکوهیده بود و افراد از بیان آن طفره می‌رفتند و پس از مرگ بنیان‌گذار چین کمونیست، به‌تدریج نه تنها انگ‌زدایی، بلکه ارزش تلقی شد. با نگاهی دکارتی باید اول لغات را واکاوی و تعریف کنیم

یادداشت

وقتی زندگی غیر عادی، عادی می‌شود

عمق جامعه تغییر دیگری اتفاق افتاده است؛ این‌که بسیاری از آدم‌ها شبها با نگرانی می‌خوابند و صبح‌ها با احتمال یک خرید بیدار می‌شوند.

این همان نقطه‌ای است که در بلندمدت برای هر جامعه‌ای خطرناک می‌شود؛ عادت‌کردن به زندگی شبه‌جنگی. خطر از جایی شروع می‌شود که تهدید و اضطراب به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شود؛ خبرهای مربوط به تنش دیگر شوک‌آور نباشند و آرام‌آرام در پس‌زمینه زندگی جا بگیرند. در این وضعیت، مز میان شرایط عادی و شرایط بحرانی کم‌رنگ می‌شود.

در چنین شرایطی فقط احساس مردم تغییر نمی‌کند، بلکه سبک زندگی هم تغییر می‌کند. تصمیم‌ها کوتاه‌مدت می‌شوند، برنامه‌ریزی‌ها عقب می‌افتند، خانواده‌ها و کسب‌وکارها بیشتر به بافت فکری می‌کنند و آینده، به‌جای یک مسیر قابل ساختن، به موضوعی مبهم و قابل تعویق تبدیل می‌شود.

در وضعیتی قرار دارد که نه صلح واقع است و نه جنگ تمام‌عیار؛ شرایطی شبیه ایستادن روی پلی لرزان، بدون اینکه معلوم باشد قدم بعدی ما را به کدام سمت می‌برد. در این میان، مردم نقشی در شکل‌گیری این وضعیت ندارند، اما بیشترین اثر را از آن می‌گیرند. زندگی برای آن‌ها به‌تدریج در مسیری قرار گرفته که انتخابش نکرده‌اند، اما ناچار به ادامه دادن آن هستند.

در چنین شرایطی معمولاً یک روند تکرار می‌شود؛ اول ترس، بعد خستگی، و بعد نوعی عادت. بعد هم زندگی در ظاهر ادامه پیدا می‌کند. درست اتفاقی که در دو ماه گذشته در تهران و بسیاری از شهرهای ایران افتاده است؛ مغازه‌ها باز بوده‌اند، کارمندان سر کار رفته‌اند، عروسی‌ها برگزار شده و چرخ روزمره زندگی همچنان می‌چرخد. اما در



اشبم شکوریان | روزنامه‌نگار

گاهی خطرناک‌ترین بخش جنگ، لحظه انفجار نیست؛ لحظه‌ای است که جامعه آرام‌آرام یاد می‌گیرد با صدای انفجار، خبرهای مبهم و زندگی در وضعیت تعلیق کنار بیاید.

ایران در یک سال گذشته روزهایی سختی را پشت سر گذاشته است؛ روزهایی میان جنگ، آتش‌بس، تهدید، انتظار و اضطراب جمعی. نزدیک به دو ماه است که کشور

تحلیل

از تبادل آتش تا توقف عملیات نظامی

اپیام ما ۱۴ ساعت گذشته، خاورمیانه شاهد یکی دیگر از دوره‌های تنش نظامی میان ایران و اسرائیل بود که با تبادل حملات موشکی متقابل، وضعیت امنیتی منطقه را تحت‌الشعاع قرار داد. این تحولات که از شامگاه ۱۷ خرداد آغاز شد، صبح روز گذشته ۱۸ خرداد با اعلام توقف عملیات، وارد فاز جدیدی شده است.

چرخه جدید درگیری‌ها پس از حملات هوایی اسرائیل به مناطق مسکونی در جنوب لبنان و حومه جنوبی بیروت شدت گرفت. در واکنش به این اقدامات، سپاه پاسداران با اجرای عملیات موشکی، اهدافی را در سرزمین‌های اشغالی هدف قرار داد. به گزارش خبرگزاری‌های داخلی، در این عملیات از نسل جدید موشک‌های بالستیک از جمله «خیبرشکن» استفاده شد. منابع خبری گزارش دادند که آژیرهای خطر در سراسر سرزمین‌های اشغالی، از جمله حیفا، تل‌آویو و مناطق نزدیک به جولان به صدا درآمد و ساکنان این مناطق به پناهگاه‌ها هدایت شدند. در واکنش به این حملات، ارتش اسرائیل بمباراد امروز به نقاطی در غرب و مرکز ایران، از جمله تأسیساتی در تهران، تبریز و اصفهان حمله کرد. طبق گزارش منابع رسمی و خبرگزاری‌های داخلی، بخشی از مجتمع پتروشیمی کارون در منطقه ماهشهر هدف قرار گرفت. ولی‌الله جلیلی، معاون استاندار خوزستان، ضمن تأیید آسیب‌دیدن بخشی از این مجتمع، تأکید کرد که ارزیابی‌ها در خصوص میزان خسارت‌ها ادامه دارد. در پی گسترش درگیری‌ها، رسانه‌های بین‌المللی از جمله «نیویورک‌تایمز» گزارش دادند که «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر اسرائیل، تحت‌فشار دیپلماتیک و درخواست «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا، دستور توقف حملات جدید به ایران را صادر کرده است. در همین راستا، یک مقام ارشد اسرائیلی در گفتگو با اکانال ۱۳ «این رژیم اعلام کرده که «این دور از درگیری با ایران به پایان رسیده است».

از سوی دیگر، «اسماعیل بقایی»، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، در گفتگو با خبرگزاری تسنیم، ایالات متحده را به‌عنوان طرف توافق آتش‌بس ۸ آوریل، مسئول مستقیم اقدامات اسرائیل دانست. وی افزود: «هدف از مذاکرات، پایان‌دادن به اقدامات نظامی علیه ایران و درگیری‌ها در لبنان بود و نقض این توافق تأثیر مستقیمی بر روند دیپلماتیک خواهد داشت». در نهایت، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا در بیانیه‌ای از توقف عملیات تلافی‌جویانه ایران علیه اسرائیل خبر داد، هرچند به‌طرف مقابل نسبت به هرگونه ماجراجویی جدید هشدار داد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در واکنش به تهدید درگیری‌ها میان ایران و اسرائیل، ضمن تأکید بر لزوم توقف فوری «شلیک‌ها»، هر دو طرف را به خوشبین‌داری و بازگشت به میز مذاکرات دعوت کرد. او با بیان اینکه از حملات اخیر اسرائیل به حومه جنوبی بیروت رضایت ندارد و این اقدام بدون هماهنگی او صورت گرفته، به بنیامین نتانیاهو هشدار داد که نباید به اقدامات تلافی‌جویانه ادامه دهد، چرا که به اعتقاد او، طرفین به یک توافق نهایی برای پایان جنگ بسیار نزدیک هستند و نباید اجازه داد این درگیری‌ها روند دیپلماتیک را تخریب کند. ترامپ همچنین با رویکردی آمرانه در گفتگو با رسانه‌ها مدعی شد که مدیریت اصلی این پرونده را بر عهده دارد و طرف‌های دیگر چارواکی جز پذیرش نتایج مذاکرات تحت‌نظارت او نخواهند داشت.

در پی این حوادث، تمامی پروازهای داخلی و بین‌المللی در فرودگاه‌های اصلی ایران تا اطلاع ثانوی لغو شدند تا شرایط امنیتی هوایی به حالت عادی بازگردد. نهادهای مسئول از شهروندان خواسته‌اند تا اخبار را تنها از طریق مراجع رسمی دنبال کرده و از توجه به شایعات در فضای مجازی خودداری کنند. درحالی‌که اوضاع در میدان نظامی به سمت آرامش نسبی حرکت کرده است، تحلیل‌گران نسبت به شکنندگی وضعیت دیپلماتیک و تأثیر آن بر ثبات مذاکرات هشدار می‌دهند.

روایتی از خشکیدگی جنگل‌های کرانه‌ای، بی‌خبری عمومی و پرسش‌هایی که هنوز بی‌پاسخ مانده‌اند

خاموشی سبز در «جاجرود»



آب و خاک رودخانه جاجرود



مسعود امیرزاده |

انکسگر محیط‌زیست |

خشکیدگی گسترده جنگل‌های بید تنها یک بحران محلی نیست؛ هشداری درباره فرسایش اکوسیستم‌هایی است که در سکوت از دست می‌روند
بیست‌سال‌های انبوه «جاجرود» همچون نواری سبز در امتداد رودخانه از پل تاریخی شاه‌عباسی تا سد «ماملو» امتداد داشتند. آنها زیستگاهی ارزشمند برای پرندگان، آبزیان و گونه‌های جانوری بودند که حیاتشان به این اکوسیستم وابسته بود. امروز بخش بزرگی از این پوشش گیاهی خشک شده و نشانه‌های زوال در سراسر منطقه به چشم می‌خورد. آنچه بیش از خود این فاجعه نگران‌کننده است، به سکوت و بی‌توجهی به این زوال برمی‌گردد. یکی از مهم‌ترین میراث‌های طبیعی شرق تهران در حال از دست‌رفتن است، بی‌آنکه حساسیت متناسبی در افکار عمومی، رسانه‌ها و نهادهای مسئول شکل گرفته باشد.

چند سال پیش به‌اتفاق برخی از کارشناسان محیط‌زیست و فعالین منابع طبیعی در حاشیه رودخانه جاجرود و در محدوده «سعیدآباد» و منطقه حفاظت‌شده جاجرود بازدیدی داشتیم که نتایج آن خیره‌کننده و فرح‌بخش بود. آنچه در آن روزها می‌دیدیم، تصویری از یک زیست‌بوم زنده و پویا بود. در دامنه‌ها و دشت‌های پیرامون، گونه‌های گیاهی متنوعی از کرفس‌ها و برب‌های وحشی تا انواع گیاهان بومی منطقه روییده بودند و پوشش گیاهی چشم‌نوازی را پدید می‌آوردند. در امتداد رودخانه، به‌ویژه در فاصله میان پل تاریخی شاه‌عباسی و محدوده سد ماملو، جنگل‌های کرانه‌ای انبوه و گسترده‌ای از بید و گز دیده می‌شد که همچون نواری سبز در دل دشت امتدادیافته بودند. این منطقه

تحلیل |

اقیانوس‌ها قربانی بهره‌برداری بی‌مرز

۸ ژوئن، «روز جهانی اقیانوس‌ها»، فرصتی است تا بار دیگر در برابر غلظت پهنه‌های آبی سیارمان تأمل کنیم.پهنه‌هایی که تنها مخازن آب‌شورزیستند، بلکه قلب‌تپنده حیات، تنظیم‌کننده اصلی چرخه‌های اقلیمی و بزرگ‌ترین زیست‌بوم‌زمین به‌شمار می‌روند. این اقیانوس‌ها که بیش از ۷۰ درصد سطح کره زمین را پوشانده‌اند، از ریزترین فیتوپلانکتون‌های شناور تا بزرگ‌ترین تنگ‌های جهان را در خود جای‌داده‌و تولید نیمی از اکسیژن زمین و جذب بخش قابل‌توجهی از دی‌اکسیدکربن و گرمای اضافی ناشی از فعالیت‌های انسانی، ضامن بقای تمدن بشری هستند.
بااین‌وجود، امروز این میراث طبیعی دروضعیت هشدارقرارگرفته‌ویا تهدیدهای بی‌سابقه‌ای چون گرمایش جهانی، اسیدی‌شدن آب‌ها، آلودگی گسترده پلاستیکی و صیدبی‌رویه دست‌وپیچ‌به‌نرم می‌کند.

اگرچه از دیدگاه علمی، اقیانوس‌های آرام، اطلس، هند، منجمد شمالی و جنوبی دریک اقیانوس جهانی به‌هم پیوسته‌اند و هر کدام نقشی حیاتی درگردش آب‌ها و تنظیم دمای زمین ایفا می‌کنند، اما مداخلات انسانی این شبکه پیچیده و شکننده را به‌شدت آسیب‌پذیر کرده است. مرجان‌هاکه جنگل‌های بارانی اقیانوس‌ها محسوب می‌شوند در حال سفیدشدگی و نابودی‌اند، بسیاری از گونه‌های آبی در معرض انقراض قرار دارند و حجم فراینده زباله‌های انسانی حتی به دورافتاده‌ترین نقاط اعماق دریاها نیز نفوذ کرده است.
تداوم این روند نه‌تنها تنوع زیستی دریایی را تهدید می‌کند، بلکه امنیت غذایی و اقتصاد جهانی را نیز به بحران‌های جدی روبه‌رو می‌سازد.

در مواجهه با این بحران‌های چندجانبه، توسعه فناوری‌های نوین به یکی از مهم‌ترین ابزارهای امیدبخش برای حفاظت از اقیانوس‌ها تبدیل



تنها مجموعه‌ای از درختان و گیاهان نبود. اینجا بخشی از حافظه طبیعی جاجرود بود؛ زیستگاهی ارزشمند برای پرندگان مهاجر، پرندگان کنارآبزی و گونه‌های مختلف جانوری که بقای آن‌ها به سلامت این اکوسیستم وابسته بود. همچنان که رودخانه جاجرود نیز تنها یک جریان آب نیست. این رودخانه از دیرباز یکی از شریان‌های حیاتی شرق تهران و دشت ری بوده و در طول تاریخ، پیرامون خود شبکه‌ای از آبادی‌ها، راه‌ها، باغ‌ها و زیستگاه‌های طبیعی را شکل داده است. پل تاریخی شاه‌عباسی، روستاهای کهن منطقه و نقش جاجرود در تأمین آب این سرزمین، همگی نشانه‌های اهمیت تاریخی و تمدنی آن هستند. شوربخانه آنچه امسال و در همین روزها مشاهده کردم، تصویری کاملاً متفاوت بود. بخش اعظم از درختان بیدی که پیش‌تر در امتداد رودخانه دیده می‌شدند کاملاً خشک شده بودند. آثار خشکیدگی حتی در برخی درختان گز نیز مشاهده می‌شد و نشانه‌های تنش و زوال در باغات اطراف نیز به چشم می‌خورد. منظره‌ای که روزگاری سرسبز و زنده بود، اکنون در بخش‌های متعددی به چشم‌اندازی نگران‌کننده تبدیل شده است. این مشاهدات پرسش‌هایی جدی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد. علت این خشکیدگی گسترده چیست؟ آیا کاهش جریان آب و افت سطح آب‌های زیرزمینی عامل اصلی بوده است؟ آیا تغییر اقلیم، خشکسالی‌های پی‌درپی، برداشت‌های بی‌رویه آب، تغییر کاربری اراضی، آلودگی‌ها یا عوامل بیماری‌زای آفات گیاهی در این رخداد نقش داشته‌اند؟ آیا مجموعه‌ای از این عوامل دست‌به‌دست هم داده‌اند؟ و مهم‌تر از همه، آیا این روند هنوز قابل‌توقف و جبران است؟ همان‌طور که گفتیم، جاجرود تنها یک رودخانه نیست؛ بخشی از میراث طبیعی و تاریخی سرزمین ما و استان تهران است. خشک‌شدن جنگل‌های کرانه‌ای آن صرفاً از دست‌رفتن چند درخت نیست (که آن‌هم در جای خود بسیار مهم و جبران‌ناپذیر است) بلکه نشانه‌ای از آسیب‌دیدن یک شبکه پیچیده زیستی است که طی

سده‌ها و شاید هزاره‌ها شکل گرفته است. اگر امروز برای شناخت علت‌ها و ترمیم این زخم اقدام نشود، فردا ممکن است بخش مهمی از این میراث طبیعی را برای همیشه از دست بدهیم. شاید نخستین گام، پذیرفتن این واقعیت باشد که آنچه در حاشیه جاجرود رخ داده، مسئله‌ای محلی و محدود نیست؛ بلکه هشداری است درباره وضعیت اکوسیستم‌هایی که آن‌ها به آب، پوشش گیاهی و مدیریت مسئولانه منابع طبیعی وابسته است.

📌 بی‌خبری و بی‌تفاوتی اجتماعی

اما آنچه بیش از خود خشکیدگی ما را نگران می‌کند، بی‌خبری عمومی نسبت به آن بود. در این بازدید محدوده سعیدآباد و حاشیه جاجرود، آنچه مشاهده شد صرفاً کاهش پوشش گیاهی نبود. شگفت‌آورتر از خود این فاجعه محیط زیستی، فقدان آگاهی عمومی درباره آن است. گویی بخشی از سرمایه طبیعی کشور در سکوت در حال از دست‌رفتن است؛ بی‌آنکه حساسیت لازم در سطح افکار عمومی، رسانه‌ها و حتی بخش‌هایی از مدیریت محیط‌زیست نسبت به آن شکل گرفته باشد. تاریخ از دست‌رفتن بسیاری از سرمایه‌های طبیعی و فرهنگی، تاریخ همین بی‌خبری‌هاست. جوامع گاه نه در لحظه وقوع بحران، بلکه زمانی متوجه عمق خسارت می‌شوند که بخش بزرگی از آنچه باید حفظ می‌شد، از میان‌رفته است. امروز پرسش اصلی این نیست که چرا ۹۰ درصد درختان بید خشک شده‌اند؛ پرسش این است که چگونه چنین رخدادی با این ابعاد ناآشناست تا این اندازه از نگاه جامعه پنهان بماند؟! درباره علل احتمالی این خشکیدگی، گمانه‌های مطرح بود که با نوعی بی‌تفاوتی و بی‌میلی از طرف برخی مردم محلی عنوان می‌شد. نخست، تنش شدید آبی ناشی از خشکسالی‌های اخیر و کاهش جریان رودخانه. برخی گزارش‌های محلی حاکی از آن است که در دوره‌هایی از سال ۱۴۰۴ به دلیل کمبود منابع آبی، عملاً آبی از

سد لتیان به سمت پایین‌دست و محدوده سد ماملو رهاسازی نشده است. اگر چنین موضوعی صحت داشته باشد، می‌تواند فشار شدیدی بر گونه‌هایی مانند بید که وابستگی بالایی به آب‌های سطحی و رطوبت بستر رودخانه دارند وارد کرده باشد.

فرضیه دوم، آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های صنعتی و کارگاهی در محدوده سعیدآباد و مناطق پیرامونی است. در صورت ورود آلاینده‌های شیمیایی به آب یا خاک منطقه، اثرات آن می‌تواند در کنار تنش آبی، روند زوال درختان را تشدید کرده باشد. بررسی کیفیت آب، رسوبات و خاک منطقه می‌تواند در روشن‌شدن این احتمال نقش مهمی داشته باشد. عامل سوم، فشار فراینده انسانی بر اکوسیستم منطقه است. آنچه امروز در حاشیه جاجرود مشاهده می‌شود، نمونه‌ای از گردشگری کم‌ضابطه و فاقد مدیریت مؤثر است. کاهش کنترل بر ورود افراد به عرصه‌های حساس، چرای دام در برخی بخش‌ها، تخریب زیستگاه‌ها و انباشت گسترده زباله، همگی نشانه‌هایی از افزایش فشار انسانی بر این اکوسیستم هستند. شاید هیچ‌یک از این عوامل به‌تنهایی مسئول وضعیت کنونی نباشند و واقعیت در برهم‌کنش چندین عامل نهفته باشد؛ ترکیبی از خشکسالی، کاهش جریان آب، آلودگی، فشار گردشگری و ضعف حفاظت. اما دقیقاً به همین دلیل است که این موضوع نیازمند یک بررسی جامع، مستقل و چندرشته‌ای است. ضروری است تیمی متشکل از متخصصان منابع طبیعی، جنگل، محیط‌زیست، هیدرولوژی، آب‌های زیرزمینی، آلودگی‌های محیطی و تنوع زیستی، به‌صورت فوری وضعیت منطقه را پایش و ارزیابی کند. همچنین نتایج این بررسی‌ها باید به‌صورت شفاف در اختیار افکار عمومی قرار گیرد. جاجرود میراث طبیعی منطقه ری و تهران، بخشی از میراث اکولوژیک کشور و بخشی از سامانه‌های پشتیبان حیات در شرق پایتخت است. حفاظت از پوشش گیاهی حاشیه آن صرفاً حفاظت از چند درخت نیست؛ حفاظت از آبخوان‌ها، خاک، تنوع زیستی، چشم‌انداز طبیعی و حافظه زیست‌محیطی یک سرزمین است. بی‌تفاوتی در برابر چنین رخدادهایی، خود بخشی از بحران است. زیرا گاه آنچه یک اکوسیستم را نابود می‌کند تنها خشکسالی یا آلودگی نیست؛ بلکه سکوتی است که اجازه می‌دهد این فرسایش در برابر چشمان ما رخ منتقلی و واکنشی متناسب با اهمیت آن شکل گیرد. پاسخ به وضعیت اسفبار جاجرود، نباید در حد گمانه‌زنی باقی بماند. ضروری است دستگاه‌های مسئول، از سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان منابع طبیعی و حفاظت از میراث فرهنگی و مراکز پژوهشی، با انجام مطالعات میدانی و کارشناسی، علل این رخداد را به‌صورت دقیق بررسی کنند. اگر در این میان قصور، تخلف یا اقداماتی برخلاف ضوابط قانونی در بروز یا تشدید این وضعیت نقش داشته است، باید به‌طور شفاف مشخص و پیگیری شود. گاه آنچه یک اکوسیستم را نابود می‌کند تنها خشکسالی یا آلودگی نیست؛ بلکه سکوتی است که اجازه می‌دهد این فرسایش در برابر چشمان ما رخ دهد، بی‌آنکه واکنشی متناسب با اهمیت آن شکل گیرد. پاسخ به این وضعیت اسفبار جاجرود، نباید در حد گمانه‌زنی باقی بماند. ضروری است دستگاه‌های مسئول، از سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان منابع طبیعی و حفاظت از میراث فرهنگی و مراکز پژوهشی، با انجام مطالعات میدانی و کارشناسی، علل این رخداد را به‌صورت دقیق بررسی کنند. اگر در این میان قصور، تخلف یا اقداماتی برخلاف ضوابط قانونی در بروز یا تشدید این وضعیت نقش داشته است، باید به‌طور شفاف مشخص و پیگیری شود.

ا گزارش |

پیوند فرهنگ و سیاست‌گذاری در محیط‌زیست

ا پیام ما | به مناسبت روز جهانی محیط‌زیست، شعار جهانی «هم‌اکنون برای آب‌وهوا» به‌عنوان فراخوانی برای مقابله جدی با تغییرات اقلیمی، خشکسالی‌ها و ذوب یخچال‌ها مطرح شده است. شعاری که فراتر از یک هیاهوی رسانه‌ای، نشان‌دهنده عبور جهان از مرحله هشدار و ورود به فاز تخریب‌های مستقیم اقلیمی است. در شرایطی که گزارش‌های نهادهای بین‌المللی بر ضرورت اقدامات عاجل تأکید دارند، جوامع مختلف در سراسر جهان درگیر چالش‌های بی‌آبی، فرسایش خاک و نوسانات شدید دمای هستند که حیات اقتصادی و اجتماعی را به مخاطره انداخته است. در این میان، ایران نیز به‌عنوان کشوری که در کمربند خشک زمین قرار دارد، بیش‌ازپیش تأثیرات ملموس تغییر اقلیم را تجربه می‌کند. هم‌زمان با شعار جهانی، سازمان حفاظت محیط‌زیست از «تدوین سند ارتقای فرهنگ محیط‌زیست» با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد. هدف اصلی این طرح، آموزش نسل آینده و بهره‌گیری مستمر از ظرفیت‌های فرهنگی و هنری برای ترویج حفاظت از منابع طبیعی است تا مفهوم حفاظت از محیط‌زیست از یک دغدغه عمومی به یک فرهنگ نهادینه‌شده در لایه‌های مختلف جامعه تبدیل شود. پیوند میان این سند ملی و شعار جهانی «هم‌اکنون برای آب‌وهوا»، نشان می‌دهد که مسئولان و جامعه مدنی به این درک مشترک رسیده‌اند که مدیریت منابع طبیعی تنها با ابزارهای فنی و مهندسی امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند بسترسازی فرهنگی و تقویت تاب‌آوری جوامع محلی است. شرایط اقلیمی که ذخایر استراتژیک آبی ایران را تهدید می‌کند،

ا خبر |

آموزش محیط‌زیست

باید از مدارس آغاز شود

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست با تأکید بر ضرورت نهادینه‌سازی فرهنگ حفاظت از طبیعت در نسل‌های آینده، گفت: «آموزش محیط‌زیست باید از مدارس و حسین‌پایه آغاز شود.»

«شینا انصاری»، در نهمین جلسه پویش «خیزش ملی برای ایران» و «مأموریت ماکان»، با قدرتی از بزرگ‌کنندگان این پویش، اظهار کرد: «کشور با چالش‌های متعددی از جمله محدودیت منابع آب، تخلیه آبخوان‌ها، فرورسشت زمین، آلودگی هوا، تخریب زیستگاه‌ها، آتش‌سوزی جنگل‌ها و پدیده گردوغبار مواجه‌است که بخش عمده‌ای از آن حاصل سال‌هاکم‌توجهی به ملاحظات محیط‌زیستی است.» او با اشاره به اصل پنجاهم قانون اساسی افزود: «حفاظت از محیط‌زیست در قانون اساسی به‌عنوان وظیفه‌ای اهل همگانی شناخته شده است، ازاین‌رو همه دستگاه‌ها، نهادها و آحاد جامعه باید در این مسیر نقش‌آفرین باشند و سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌تنهایی قادر به رفع تمامی این چالش‌ها نیست.»

معاون رئیس‌جمهور با تأکید بر پیوند میان محیط‌زیست و مسائل اجتماعی و فرهنگی، تصریح کرد: «دستیابی به اهداف محیط‌زیستی نیازمند جلب مشارکت عمومی و توافق‌سازی اجتماعی است و در این میان، حوزه فرهنگ و آموزش از مهم‌ترین ابزارهای اثرگذار به‌شمار می‌رود.»

انصاری با اشاره به توجه دولت چهاردهم به موضوع آموزش گفت: «آموزش محیط‌زیست باید از سنین پایه و مدارس آغاز شود، زیرا نهادینه‌شدن فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست در میان دانش‌آموزان می‌تواند به تغییر رفتار اصلاح سبک زندگی و تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قبال طبیعت منجر شود.»

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در ادامه به اجرای طرح ملی «محیط‌یار» با همکاری وزارت آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: «این طرح با هدف توسعه آموزش‌های محیط‌زیستی در مدارس آغاز شده و تاکنون با استقبال استان‌های مختلف، به‌ویژه مناطق کمتر برخوردار، همراه بوده است.»

او همچنین از تدوین سند ارتقای فرهنگ محیط‌زیست با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر دستگاه‌های مرتبط خبر داد و افزود: «توسعه فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست نیازمند هم‌افزایی و بهره‌گیری از ظرفیت همه نهادهای فرهنگی، آموزشی و اجتماعی کشور است.»

انصاری با اشاره به «مأموریت ماکان»، به‌عنوان یکی از برنامه‌های آموزشی و فرهنگی حوزه محیط‌زیست اظهار کرد: «این طرح با هدف آشنایی دانش‌آموزان با موضوعاتی نظیر تنوع زیستی، حیات‌وحش، پوشش گیاهی، مدیریت پسماند و سایر مسائل محیط‌زیستی در حال اجراست و می‌تواند زمینه‌ساز گسترش فرهنگ حفاظت از طبیعت در میان نسل آینده باشد.»

او بر استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، هنری، فناوری‌های نوین و آموزه‌های دینی برای ترویج فرهنگ محیط‌زیست تأکید کرد و گفت: «موفقیت برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در این حوزه مستلزم مشارکت و همراهی همه دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط‌است.»

لزوم تخصیص حقباه تالاب‌ها

برای مدیریت پایدار آب

«محسن موسوی خاونساری»، کارشناس آب و محیط‌زیست در ارتباط با مدیریت پایدار آب از منظر تأمین حقباه تالاب‌ها گفت: «طبق برنامه‌های ششم و هفتم توسعه لازم است وزارت نیرو سالانه ۱۵ میلیارد مترمکعب آب را به‌عنوان حقباه تالاب‌ها اختصاص دهد؛ اما از گذشته تاکنون این مورد رعایت نشده‌است این درحالی است که هنگام آغاز سال آبی (اول مهر)، حقباه محیط‌زیست باید پس از شرب تخصیص یابد سپس حقباه بخش‌های کشاورزی و صنعت و پرداخت شود.»

او درباره مزایای تأمین حقباه محیط زیستی گفت: «این کار با تأمین سلامت مردم ارتباط دارد؛ چراکه موجب کنترل کانون‌های گردوغبار حفظ اکوسیستم، احیای تالاب‌ها و رودخانه‌ها همچنین حفظ تنوع زیستی و شادابی مردم می‌شود؛ بنابراین از حقباه کشاورزی مهم‌تر است و اهمیت آن با حقباه شرب برابری می‌کند.»

موسوی خاونساری تأکید کرد: «دراین شرایط لازم است وزارت نیرو در برنامه‌های خود سهم محیط‌زیست را به‌طورجدی در نظر بگیرد و به تالاب‌ها اختصاص دهد. به‌عنوان‌مثال حقباه تالاب گاوخونی در استان اصفهان ۱۴۰ میلیون مترمکعب آب را به تالاب‌گاوخونی اختصاص دهد علاوه‌برآن حقباه سایر تالاب‌ها نیز پرداخت شود.» او با بیان اینکه بستر خشک تالاب‌ها کانون‌های گردوغبار است، گفت: «دریاچه کنون‌قم به دلیل عدم پرداخت حقباه منشأ گردوغبار و باعث می‌شود گردوغبار به تمام شهر قم سرایت کند. در این شرایط لازم است سهم این دریاچه از سدهای کوچری، گلپایگان و ۱۵۰ خرداد تأمین شود تا این اکوسیستم به منشأ گردوغبار تبدیل نشود.» | اپسنا

پاسخ به وضعیت

اسفبار جاجرود

ناباید در حدگمانه‌زنی

باقی بماند. ضروری است

دستگاه‌های مسئول

با انجام مطالعات میدانی

و کارشناسی

علل این رخداد را

به‌صورت دقیق

بررسی کنند

گاه آنچه یک اکوسیستم را

نابودمی کند تنها خشکسالی

یا آلودگی نیست

بلکه سکوتی است

که اجازه می‌دهد

این فرسایش در برابر

چشمان مارخ دهد

بی‌آنکه واکنشی متناسب با

اهمیت آن شکل گیرد

پرونده‌الموت روی میز یونسکو

مدیرکل دفتر ثبت آثار تاریخی کشور با اعلام تکمیل اقدامات مربوط به پرونده ثبت جهانی قلعه الموت و قلعه‌های وابسته در یونسکو، گفت: «این پرونده مردادماه در نشست کره جنوبی بررسی می‌شود. او همچنین درباره تخریب‌های قزوین و ارتباط آن با ازسزگیری پروژه «انصاری شرقی» توضیح داد.»

«علیرضا ایزدی»، درباره بازدید اخیر خود از قزوین در پی تخریب‌های این شهر که ابهام آغاز پروژه خیابان «انصاری شرقی» که به تخریب بخشی از بافت و آثار تاریخی قزوین منجر می‌شود، اظهار کرد: «در هفته گذشته برای بررسی پرونده ثبت جهانی و اقداماتی که در حال انجام است از قلعه الموت بازدید داشتیم. نوبت بررسی این پرونده در نشست کره جنوبی در مردادماه امسال خواهد بود. پرونده پیشنهادی ما مربوط به قلعه الموت و سایر قلعه‌های مرتبط با آن است. به هرحال، مجموعه‌ای از اقدامات در حال انجام است، از جمله بحث بازپیرایی، کاوش‌های باستان‌شناسی، مرمت‌ها، ساماندهی مسیرها، نصب تابلوها، اطلاع‌رسانی‌ها، موضوع ساماندهی روستاهای منتهی به این قلعه‌ها، نقش جامعه محلی و سایر موضوعاتی که در دستورکار ما قرار داشته است.»

او افزود: «بر اساس مواردی که ارزیاب درخواست کرده بود، یکی‌سری اقدامات و الزامات باید مهیا و فراهم می‌شد که در حال انجام آن‌ها هستیم تا گزارش‌های مربوطه را برای یونسکو ارسال کنیم. این اقدامات در حال تکمیل است و امیدواریم در مردادماه، هم‌زمان با برگزاری نشست کره جنوبی با توجه‌به شرایطی که فراهم کرده‌ایم، شاهد ثبت این اثر در فهرست جهانی باشیم.» ایزدی همچنین درباره تخریب‌هایی که به‌تازگی در بافت تاریخی قزوین انجام شده است، از جمله تخریب یک رودخانه قدیمی و گمانه‌زنی‌ها برای شروع طرح انصاری شرقی، توضیح داد: «درباره انصاری شرقی بازدید میدانی نداشته‌ام و از تخریب‌ها مطلع نیستم. اما انصاری شرقی خیابانی است که از قبل از انقلاب مطرح بوده است. فاز نخست آن پیش از انقلاب اجرا شده، فاز دوم در دهه ۷۰ به اجرا رسیده و فاز سوم آن با بافت تاریخی قزوین تلاقی دارد. اگر قرار باشد این بخش به سمت بازگشایی برود، چون یک تغییر اساسی محسوب می‌شود، حتماً باید مجوز شورای عالی مسکن و شهرسازی را دریافت کند.»

او افزود: «در این موضوع، فقط میراث‌فرهنگی دخیل یا تصمیم‌گیرنده نیست؛ زیرا این مسئله باید به‌عنوان یک مغایرت اساسی در کمیسیون ماده ۵ مطرح شود و میراث‌فرهنگی نیز به‌عنوان یکی از اعضا، نظر تخصصی خود را ارائه می‌کند. ما همواره به دوستان در بحث بازگشایی معابر، خیابان‌ها و یا تعریض معابر در بافت‌های تاریخی تأکید کرده‌ایم که باید نگاه تخصصی‌تری به این موضوع وجود داشته باشد، اینکه آیا ایجاد یک معبر جدید و بازگشایی آن، از نظر نظام ترافیکی واقعاً تأثیرگذار و گروه‌گشا است یا اینکه مجدداً اثرات منفی برای موجود اضافه می‌کند.» مدیرکل دفتر ثبت آثار تاریخی گفت: «تجربه‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد این‌گونه بازگشایی‌ها، چون عمدتاً به سمت شکل‌گیری جداره‌های تجاری پیش می‌روند، نه‌تنها گره ترافیکی را حل نمی‌کنند، بلکه مشکلات جدیدی نیز ایجاد می‌کنند. در مورد طرح انصاری شرقی نیز همین موضوع مطرح است. ما به مسئولان مربوطه اطلاع کرده‌ایم که طرح مطالعاتی خود را ارائه کنند و این طرح در قالب کارشناسی‌های مرتبط، در کمیسیون ماده ۵ استان و ذیل کمیته کارشناسی آن مطرح شود. در نهایت، اگر این موضوع مصوب شود، باید در شورای عالی مسکن و شهرسازی نیز به تصویب برسد.»

او افزود: «ما به‌عنوان یکی از دستگاه‌های دخیل در حوزه بافت‌های تاریخی، در کنار سایر مجموعه‌ها از جمله شهرداری‌ها و وزارت راه و شهرسازی که دبیری این جلسات را بر عهده دارد، موظف هستیم موضوع را بررسی کرده و نظر تخصصی خود را ارائه دهیم. همان‌طور که پیش‌تر نیز صراحتاً اعلام کرده‌ایم، اگر قرار است چنین اتفاقی رخ دهد، باید پیوست‌های مطالعاتی در حوزه ترافیکی، جامعه محلی، میزان آسیب به بافت تاریخی و پیامدهای احتمالی آن ارائه شود. این موضوعات قابل‌بررسی هستند، تأکید می‌کنم قابل‌بررسی، نه لزوماً قابل‌اجر.»

ایزدی گفت: «تا زمانی‌که این داده‌ها و پاسخ این پرسش‌ها ارائه نشود، مصوبه قبلی به قوت خود باقی است، یعنی مداخله‌نکردن در این معبر و بازگشایی‌نکردن آن؛ زیرا این مصوبه شورای‌عالی مسکن و شهرسازی است و ما نیز تابع آن هستیم.» ا ایستا

موج نوبوم‌گردی بیش از همه چیز اهل تفکر است

محیط‌زیست‌را مصرف‌نمی‌کند
تعامل با بوم‌را به‌مناب‌ه‌تسهیل‌گری
میان‌جامعه‌میزبان وهمهان‌می‌بیند

موج نوبوم‌گردی بیش از همه چیز اهل تفکر است محیط‌زیست‌را مصرف‌نمی‌کند تعامل با بوم‌را به‌مناب‌ه‌تسهیل‌گری میان‌جامعه‌میزبان وهمهان‌می‌بیند



اسجاد حقیقت قهقرخی ا

اكارشناس گردشگری ا

می‌گویند ما نهایتاً پذیری ده مهمان هستیم. خانه‌ای ساخته‌اند با جزئیات زیاد که در آن تعامل و تجربه‌کردن محور اصلی است. نه مجوزی دارند و نه

پیام‌هبران



گزارش

روایت خانه‌هایی که میزبانی را تبدیل به یک کنش فرهنگی کرده‌اند

سنتری از دل «خوشه‌سار بومی»

ساکنان خانه‌ای مرمت‌شده در حوالی یزد دو جوان تهرانی‌اند که کار و زندگی در شهر زادگاهشان را رها کرده‌اند و راهی این شهر کوچک شده‌اند. می‌گویند برای آرامش خودمان آمدیم و تجربه سبکی نو از زندگی. راستش اینکه توی تهران هم دیگر نمی‌شد ماند. از همان ابتدا هم می‌دانستیم که خبری از مسافر و گردشگری نیست. تازه گردشگر خارجی هم اگر بیاید آن قدر هتل و بوتیک هتل هست که نوبت به ما نمی‌رسد. مرور شکل فعالیت این خانه و خانه‌های مشابه آنها، نکات قابل تأملی را یادآوری می‌کند.

درگیر مناسبات رسمی شده‌اند. در هیچ پلتفرمی هم ثبت نشده‌اند. حتی گوگل‌مپ. تنها یک صفحه اینستاگرام برای تبلیغ‌کردن دارند و بیشتر دهان‌به‌دهان شناخته شده‌اند و آرام‌آرام، می‌گویند حالا هم اوضاعمان بد نیست. هیچ‌وقت مسافر گذری نمی‌گیریم و به دنبال مهمان تکراری و ماندگار هستیم. کسی که بشود با او نشست و حرف زد. می‌پرسم این مدل اقامتگاه اسمش چیست؟ نمی‌داند. می‌گوید اینجا خانه‌مان است اما شاید

اسناد کاوش لرستان درباره عشایر «پشتکوه» ایلام چه می‌گویند؟

«بان سرمه» گورستان کوچ‌نشینان عصر مفرغ

می‌کنم؛ این کتاب با اینکه حدود ۲۰ سال پیش منتشر شده و صرفاً یک گزارش کاوش محسوب می‌شود، اما مجموعه‌ای از یافته‌های فرهنگی را از بافت گورستانی ارائه می‌دهد که نظیر آن را در فلات ایران به‌ندرت می‌توان یافت. شاید اصلی‌ترین عاملی که مرا ترغیب کرد تا این کتاب را

ترجمه کنم نه صرفاً متن گزارشی آن، بلکه فراوانی آثار ارائه شده و دفعات مراجعه به این کتاب بود؛ چراکه نیاز است همواره این یافته‌ها را مشاهده و به‌خصوص برای مقایسه به آن رجوع کنیم و این کار حتی با وجود نسخه‌های الکترونیکی به‌شدت دشوار و باعث سردرگمی می‌شود. ضمن اینکه چند جلد از نسخه اصلی این کتاب در کتابخانه‌های تخصصی همچون پژوهشکده باستان‌شناسی و موزه ملی ایران موجود است که دسترسی برای تمامی دانشجویان و پژوهشگران دیگر نقاط ایران بسیار سخت است.» به باور او شواهد و مدارکی که در این کتاب ارائه شده، پایه‌ای برای مطالعات پیش از تاریخی به‌خصوص دورهٔ مفرغ در ایران محسوب می‌شود که هر دانشجو و یا پژوهشگر متخصص یا علاقه‌مند به میراث

بیشتر شبیه به بوم‌گردی‌های اولیه باشیم یا اکولوژها در خارج از کشور ولی هیچ‌کدام از این دو مدل هم نیستیم. ما زیستن در این خانه را به‌منابه یک کنش فرهنگی می‌فهمیم. خدمات‌رسان نیستیم و در واقعشان اجتماعی و جایگاه خودمان را خدمات‌رسان از جنس کارمند هتل نمی‌دانیم. پیش از آنکه مهمان به خانه بیاید فایلی برایشان می‌فرستیم و تمام داستان خانه و قوانینش را توضیح می‌دهیم. انتظار داریم آن را مطالعه کنند و وقتی وارد می‌شوند بدانند که پا در چه مکانی گذاشته‌اند.

روایت بالا داستان غالب سبکی نواز اقامتگاه‌هاست که مختصشانان آن‌ها را تبدیل به یک جریان کوچک اما رو به گسترش کرده است. مختصاتی مثل دانشگاهی بودن، به لحاظ فرم مدرن بودن، به لحاظ اقتصادی کوچک بنیان بودن، زوج محور بودن و مهم‌تر از همه دغدغه‌مند بودن. بیشترشان مهاجرت معکوس کرده‌اند و از زندگی در شهر بزرگ گذشته‌اند یا امکان ادامه‌دادن نداشته‌اند. اهل مطالعه‌کردن و تماشای فیلم هستند و در این دو موضوع ذائقه خوبی دارند. تفکیک زباله و مباحث محیط زیستی برایشان دغدغه است و ارتباط درست با جامعه بومی و انتفاع بوم را نکته‌ای کلیدی برای ماندن می‌دانند. مخاطبشان غالباً طبقه متوسط فرهنگی شهرهای بزرگ و بخصوص تهران است و جنس میزبانی‌شان اصیل و دل‌نشین. باین‌حال میزبانی را در جهت خدمات‌رسانی انجام نمی‌دهند و این نکته‌ای بسیار کلیدی است. مخاطبشان هم با این موضوع آشناست و توقع خدمات هتلی ندارد. مهم‌تر اینکه فایلی که برای مخاطب ارسال می‌کنند و فایل مهمان‌شان را به‌درستی انتخاب می‌کنند و هرکسی وارد خانه‌شان نمی‌شود.

این جریان اگرچه نیاز به مطالعه جدی‌تر دارد؛ اما در بضاعت اندک این مطلب می‌توان گفت خلق معنا برایش مهم‌تر از صرف فرم (معماری و چیدمان) یا رفح نیاز اقتصادی است. اگرچه فرم را هم در جزئیات فراوان به بهترین شکل ارائه می‌دهند و اقتصادشان هم به‌قدر بضاعت پایدار است. بیشترین نمونه از این خانه‌ها یا بوم‌گردی‌های موج نو را می‌توان در استان گیلان و استان‌های حاشیه کویر به‌خصوص یزد و اصفهان پیدا کرد. در سایر استان‌ها هم مثلاً در بوشهر ردی از این جریان فرهنگی را می‌توان جست. به نظر می‌رسد که در میان توده بی‌شکل بوم‌گردی

بیشتر گورستان‌های عصر مفرغ و آهن را مورد کاوش قرار می‌داد. در ادامه فعالیتش در پشتکوه، این گورستان دورهٔ مفرغ را نیز کاوش کرد. مرگ زود هنگام واندنبرگ باعث شد نتواند گزارش نکاتی فعالیت‌های می‌دانی‌اش را منتشر نماید؛ این امر به‌وسیله دو تن از شاگردانش انجام شد و تاکنون ۸ مجلد از کارهای میدانی او تحت عنوان «اسناد کاوش لرستان» منتشر کرده‌اند که جلد ششم با عنوان «اسناد کاوش لرستان؛ گورستان اوایل عصر مفرغ بان سرمه در پشتکوه لرستان» از همین مجموعه است.

گذشتگان باید به آن رجوع کند. این کاوش‌ها مسائلی از دوران مفرغ در ایران را بیان می‌کنند. از جمله اینکه جوامع انسانی دورهٔ مفرغ درگشتگان خود را بیرون از بافت مسکونی دفن می‌کردند. این گورستان شاهد خوبی برای این موضوع است. نمونه‌های دیگری همچون «کال‌نار» نیز شناسایی و کاوش شده‌اند؛ اما گورستان بان‌سرمه از نظر بافتی که در آن قرار گرفته‌اند تفاوت‌هایی دارد. به این دلیل که هیچ زیستگاه مسکونی در کنار آنها شناسایی نشده است. ازاین‌رو، پژوهشگران معتقدند این گورستان مربوط به عشایر کوچ‌رو هستند. همان عشایر کمپ‌های استقراری داشته‌اند که باستان‌شناسان هنوز نتوانسته‌اند آنها را شناسایی کنند. به همین دلیل آنها معتقدند که منطقهٔ «چوار» در شمال غرب پشتکوه در استان ایلام موردبررسی هدفمند قرارگیرد که با اطمینان بیشتری دراین‌رابطه صحبت کنند. لوئی واندنبرگ نخستین فردی بود که به‌طورجدی توجهش به گورستان‌های پشتکوه معطوف شده بود. پژوهش‌های او روی اشیای مفرغی لرستان متمرکز بود و از همین رو

سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۲ | سه‌شنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۵ |

این جریان نو را (اگرچه هنوز کوچک است ولی) باید جدی گرفت و مطالعه کرد. جریانی بسیار ساکت و آرام که نه به دنبال هیاهوست و نه رسمی شدن اما درحال‌رشد است. جریانی که خود را به‌منابه یک رسانه کوچک فرهنگی و پرمغز برای مخاطب جستجوگر ارائه می‌دهد. از نام بوم‌گردی بعضاً فاصله می‌گیرد و حرفش در عین پیچیدگی ساده است؛ اینجا خانه‌مان است. جایی برای پذیرایی و تعامل، نه یک کلمه بیشتر و نه کمتر. جریانی که شاید نام موج نوبوم‌گردی بر آن بتوان گذاشت بیش از همه چیز اهل تفکر است. «اتاق دورهمی» برایش جایی برای گفتگوکردن است و جزئیات چیدمان اتاق دورهمی برایش مهم است. محیط‌زیست را مصرف نمی‌کند. تعامل با بوم را به‌منابه تسهیلگری میان جامعه میزبان و مهمان می‌بیند. کنشش از جنس آگاهی است و به نظر می‌رسد سنتزی از دل جریان خوشه‌سار بومی است. سنتزی که شاید دیگر نام بوم‌گردی بر آن نتوان گذاشت. جالب اینکه این جریان به‌صورت ارگانیک به یکدیگر وصل است. مهمان‌ها بین این خانه‌ها بدون هیچ تبلیغی به حرکت درمی‌آیند و از قضا ایده‌های نو میانشان توسط مهمانان منتقل می‌شود.

آنچه نیاز به مطالعه دارد اما، چرایی به‌وجودآمدن این جریان نیست که به‌قاعده از یک نیاز جامعه بیرون‌آمده است؛ بلکه توجه به چگونگی کار این خانه‌هاست. توجه به اتاق دورهمی، به زوج محور بودن، دغدغه‌مند بودن، آباداگر بودن و البته مهم‌تر از همه ورود شکلی از مدرنیته به بوم که باید دید چه سمت‌وسویی پیدا می‌کند.

سؤالی که بیش از همه اینجا مطرح است این است که آیا اصولاً چنین شکل غیررسمی از فعالیت فرهنگی و اقتصادی پایدار است؟ چه معضلاتی دارد؟ تا کجا کشش دارد و از یک‌زمان به بعد چه خواهد شد؟ در ورطه تکرار می‌افتد و از یاد می‌رود یا خلاقانه و پیش‌رو به کارش ادامه می‌دهد؟ قانون چقدر آن را خواهد پذیرفت؟ ارتباط نسل جدید با این مدل به چه شکل است؟ جامعه محلی حذفشان خواهد کرد یا می‌پذیرشان؟ تأکید این جریان بر روی اتاق دورهمی چه دستاوردی دارد؟ و چقدر این دستاورد به لحاظ کمی و کیفی قابل مطالعه است؟ شاید پیشنهاد درست، مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های این جریان با نسل قبل توسط دانشگاهیان و جامعه‌شناسان باشد و جواب به این سؤال که ظرفیت‌های این موج نوبوم‌گردی چیست و آسیب‌های آن کدام است؟

خراش

فدائیان تأکید می‌کند باید این گورستان که در وضعیت حفاظتی مطلوبی قرار ندارد حفظ و مراقبت شود؛ ازآنجاکه کاوش در این گورستان به شکل سنتی و در شرایط نامطلوبی صورت‌گرفته، لازم است مجدداً این محل کاوش شود تا علاوه بر مستندنگاری دقیق به‌خصوص از اجساد متوفیان و نمونه‌برداری برای آزمایش‌های گوناگون دررابطه با کمیت و کیفیت زندگی این جوامع آگاهی به دست آید. ضمن اینکه دررابطه با تاریخ‌گذاری مطلق نیز لازم است که اطلاعات باستان‌شناسان به‌روز شود.



خبر

پرونده‌کاوش‌های باستان‌شناسی در گذر (کمر زین) بسته شد

پوشش‌های حفاظتی، تمام تلاش خود را برای حفاظت از آثار موجود انجام داده‌اند.» کرم‌زاده خاخرشان‌ن کرد: «میراث‌فرهنگی آمادگی کامل دارد تا در صورت ارائه طرح‌های حفاظتی و اجرایی از سوی مدیریت شهری، همکاری‌های لازم را برای به سرانجام رسیدن این طرح به عمل آورد تا این فضای تاریخی به بهترین شکل ممکن برای شهروندان ساماندهی شود.» دو سال و اندی پیش عملیات گودبرداری با لودر برای احداث گذر کمزوزین منجر به مشهود شدن شواهدی از ۲ سازه معماری تاریخی و در نتیجه توقف عملیات عمرانی و شروع عملیات باستان‌شناسی با توافق بین پژوهشگاه میراث‌فرهنگی، سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان و دانشگاه هنر شد.

در فصل اول کاوش باستان‌شناسی گذر کمزوزین، آثاری مانند یک سازه آبی منقوش متعلق به دوران پیش از حمله‌مغول به اصفهان، یک‌کوره سفال، یک سازه معماری متعلق به دوران متأخر اسلامی، دیواره‌های سنگی آجرقروش احتمالاً سلجوقی و یک مسیر تاریخی کشف شده است. پیش‌تر مطابق طرح‌های ارائه شده از سوی سازمان نوسازی و بهسازی شهر اصفهان مقبره محدودۀ گذر کمزوزین که هم اکنون به‌عنوان فاز اول این محدوده‌شناخته می‌شود به سادۀ موزه با همان موزه باز شهری (مکانی برای معرفی یافته‌ها و بافت‌های مهم باستان‌شناسی) تبدیل شود. فصل دوم کاوش‌ها در مقابل مسجد کمزوزین زیر عنوان فاز دوم کمزوزین مراد سال گذشته آغاز شد و در جریان آن علاوه بر بقایای معماری، یافته‌های متعلق از جمله کاشی‌های زینین‌فام متعلق به ادوار اسلامی، سفالینه‌های شاخص و سکه‌های تاریخی کشف شد. ایستا

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان گفت: «عملیات کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه باستانی کمزوزین فعلاً به پایان رسیده‌و اکنون شهرداری به‌عنوان متولی اصلی باید برای اجرای طرح گذر شهری اقدام کند.»

«امیر کرم‌زاده» درباره آخرین وضعیت سایت تاریخی «کمر زیین» اصفهان اظهار داشت: «کاوش‌های باستان‌شناسی این محوطه با همکاری مشترک پژوهشگاه میراث‌فرهنگی، شهرداری اصفهان و بخش خصوصی تا حدتوافقات وقراردادهای منعقد شده، به‌طور کامل انجام شد.» او با بیان اینکه پرونده کاوش‌های باستان‌شناسی دراین منطقه فعلاً بسته شده است، افزود: «کمزوزین اکنون به‌عنوان یک‌گذر شهری مطرح است که بر همین اساس، شهرداری به‌عنوان دستگاه متولی باید برای ساماندهی و بهبودراری از این فضا ورود کند و اداره کل میراث‌فرهنگی نیز به‌عنوان دستگاه حاکمیتی در کنار شهرداری حضور دارد.» کرم‌زاده تصریح کرد: «طرح‌های ارائه شده توسط شهرداری برای این گذر شهری، دریک مرحله موردبررسی و تصویب قرار گرفته‌وما اکنون منتظر اجرای نهایی طرحی هستیم که شهرداری به ما ارائه داده است.» مدیرکل میراث‌فرهنگی استان اصفهان در پاسخ به سؤالی درباره وضعیت حفاظت از بقایای تاریخی کشف شده دراین محوطه و مشکلات ناشی از شرایط جوی توضیح داد: «پیش‌ازاین، اقداماتی برای مسدود کردن موقت این سایت انجام شده بود؛ اما با توجه‌به ماهیت اجرای طرح‌نهایی، سقف‌های موقت باید برداشته‌شوند تا جایگزین‌های مناسب‌تری ایجاد شود.» او تصریح کرد: «در مدت اخیر هم‌کاران ما با وجود محدودیت‌ها و شرایط جوی نامساعد، با استفاده از داربست و

روایت رسانه چینی از وضعیت گردشگری ایران پس از جنگ اخیر

تورگردانان و راهنمایان تور که درآمدشان به ورود گردشگران خارجی وابسته است، یا متوقف شده یا روی سفرهای داخلی و فعالیت‌هایی غیراز گردشگری متمرکز شده‌است.

حزیم هوایی ایران که تحت‌تأثیر حمله‌های آمریکا و اسرائیل بسته شده بود، حالا شاهد بازگشت تدریجی ترافیک بین‌المللی است. هرچند خطوط هوایی اروپایی پروازها به ایران و دیگر کشورهای حوزه خلیج‌فارس را هنوز از سر نگرفته‌اند. تعدادی پرواز منطقه‌ای از مشهد، رشت و تهران انجام می‌شود، اما اصفهان و شیراز دو قطب بزرگ گردشگری ایران، هنوز در انتظارند. محسنی بندپی، معاون وزیر گردشگری ایران توضیح داد که این شرایط برای بازگشت به چه معناست: «گردشگری یک صنعت شیشه‌ای است؛ شکننده. ایجاد اعتماد، بازگرداندن خطوط هوایی، زمان می‌برد. برخلاف سایر بخش‌ها که کار فشرده می‌تواند آسیب‌های فیزیکی را ترمیم‌کند.»

آثار جنگ به بخش صنایع‌دستی شناخته‌شده ایران نیز سرایت کرده است. یک فروشنده صنایع‌دستی به این رسانه چینی درباره آسیب‌هایی که به این بخش تحمیل شده است، گفت که از زمان شروع جنگ، گردشگر خارجی نداشته‌ایم و در نتیجه بخش صنایع‌دستی آسیب‌هایی دید. این روزها، ما مشتری‌های کمی داریم. ا مهر

جنگ اخیر گردشگری خاورمیانه را تحت‌تأثیر قرار داده و سفر گردشگران خارجی به منطقه را تا ۱۴ درصد کاهش داده است. یک رسانه چینی اکنون به بررسی وضعیت گردشگری ایران پرداخته است.

بر اساس آنچه وب‌سایت رسانه‌ای چینی‌زبان «bastillepost» مستقر در هنگ‌کنگ، بر پایه گزارش‌های مقامات گردشگری ایران نوشته است، پیش از جنگ، مسافران از سراسر جهان جذب شهرهای تاریخی، موزه‌ها و اماکن فرهنگی ایران می‌شدند. با آغاز جنگ، موزه‌ها تعطیل شدند، حزیم هوایی بسته شد و گردشگران خارجی هم به خانه برگشتند.

بنابر گزارش‌های وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی ایران، آسیب‌های جنگ فزاینه از کاهش تعداد بازدیدکنندگان است.

«اوشیروان محسنی بندپی»، معاون گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی ایران، گفته که «۱۴۹ مورد از محوطه‌های تاریخی و فرهنگی ما آسیب‌دیده‌اند. از جمله کاخ‌های گلستان و سعدآباد. در ۱۱ استان، ۶۲ واحد گردشگری به طور کامل تخریب شده‌است.»

کارشناسان صنعت گردشگری نیز به هتل‌هایی اشاره دارند که زمانی با ظرفیت کامل کار می‌کردند، اما اکنون اوضاع برای آنها تغییر کرده است. فعالیت برخی

اهالی ۸ روستا در خراسان رضوی برای تأمین آب شرب، روزانه ۱۰کیلومتر راه را تا نزدیک‌ترین شهر طی می‌کنند

زیر بارِ «آب‌بِری»

مدیر آبنمای شهرستان «میان جلگه» می‌گوید: «سال‌هاست ساکنان این روستاها این مشکل را دارند.»

با این حال، حتی یک دستگاه تانکر آب‌رسان به این مناطق اعزام نمی‌شود



آب‌بِری

ایپام ما اهالی هشت روستای «حسین‌آباد»، «خیرآباد»، «قاسمی»، «علی‌آباد»، «قرخان»، «نعم‌آباد»، «سلیمانی» و «سعدآباد» در شهرستان «میان‌جلگه» خراسان رضوی، مجبور هستند برای تأمین آب شرب روزانه ۱۰ کیلومتر راه را تا شهرستان «عشق‌آباد» طی کنند. این شهروندان آب موردنیاز خود را از پارک‌ها و اماکن عمومی این شهر برداشت می‌کنند. موضوعی که موجب اعتراض شهرداری نیز شده است. اهالی می‌گویند آبی که در شبکه آب‌رسانی روستاهاست به‌یزانی شور است که حتی برای استحمام مناسب نیست. مدیر آبنمای شهرستان تأیید می‌کند و فرماندار می‌گوید به‌زودی انتقال آب از چاه جدید انجام و طرح نهایتاً تا نیمه تیر، به بهره‌برداری می‌رسد. با این‌همه حتی یک تانکر برای آب‌رسانی به این هشت روستا اعزام نمی‌شود تا شاید بخشی از مشکل تأمین آب یعنی جابه‌جایی گالن‌های آب تا ۱۰ کیلومتر را حل کند.

نفس نفس می‌زند. سعی می‌کند کلمات را جایی میان هن‌وهن دم‌کشیدن‌هایش جای دهد. انگار هر کلمه به درازای یک جمله طول بکشد. از «خیرآباد» کیلومترها راه آمده تا «عشق‌آباد». باید گالن‌های آب را پر کند و یک‌بار دیگر برگردد خیرآباد. نه فقط برای خودش که برای برخی پیرترهای آبادی هم آب برداشته است. نامش محمد است و ۶۰ سال‌ی هست که همین روال را انجام می‌دهد، یعنی از وقتی که ۱۵ سالش تمام شده. صبح که از خانه بیرون می‌آمد فکرش را هم نمی‌کرد که امروز در پارک، یک نفر جلوی او را بگیرد که چرا آب بر می‌داری. این کار را مداوم انجام می‌دهد شاید برای همین بود که یکی از محلی‌ها

که شاهد روال هر روزه آب برداشتن آنهاست به خودش اجازه داد بیاید جلو و او را سین، جیم کند. این جمله‌ها را میان همان نفس‌های کوتاه و تند می‌گوید: «مدت‌هاست مشکل آب داریم. آب آن‌قدر بد است که چاره‌ای نداریم خودمان را برسانیم «عشق‌آباد آب برداریم. روستاهای اطراف هم همه همین‌طور هستند. برای همین نمی‌توانیم برای تأمین آب به آنها هم سر بزنییم. حالا

ا خراسان |

با افزایش ۶۰ تا ۷۰ درصدی هزینه‌ها، قیمت تمام‌شده هر کیلوگرم مرغ

برای تولیدکنندگان به حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان رسید

هزینه‌ها، کمر صنعت مرغ‌گلستان را شکست

ا پیام ما اصنعت طیور گلستان به‌عنوان یکی از محورهای اصلی تأمین گوشت مرغ کشور، این روزها در نقطه تلاقی افزایش هزینه‌های تولید، نوسان بازار نهاده‌ها و رشد قیمت در بازار مصرف استان قرار گرفته است؛ شرایطی که از یک‌سو فشار بر تولیدکنندگان را افزایش داده و از سوی دیگر قیمت نهایی مرغ در بازار کشور تحت‌تأثیر قرار داده است. در تولیدکنندگان در این صنعت می‌گویند که با افزایش ۶۰ تا ۷۰ درصدی هزینه نهاده‌ها و سایر مؤلفه‌های تولید، قیمت تمام‌شده هر کیلوگرم مرغ برای تولیدکنندگان به حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان رسیده است عددی که هم تولیدکننده را با چالش روبه‌رو کرده است و هم مصرف‌کننده را. همچنین تأمین به‌موقع نهاده‌ها و سرمایه در گردش همچنان از مهم‌ترین چالش‌های این صنعت است.

چرخ صنعت مرغداری در گلستان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قطب‌های تولید طیور کشور، با وجود ظرفیت بالای تولید و نقش‌آفرینی در تأمین بازار بسیاری از استان‌ها، این روزها هم‌زمان با افزایش هزینه‌های تولید، نوسان قیمت نهاده‌ها، چالش‌های تأمین سرمایه در گردش و رشد قیمت مرغ در بازار مصرف استان در حال حرکت است موضوعی که تولیدکنندگان استانی که سهم قابل‌توجهی در تأمین نیاز بازار تهران و سایر نقاط کشور دارند، گرفتار فشار مالی کرده است.

از سویی دیگر اگرچه تولیدکنندگان از افزایش هزینه‌های پرورش، حمل‌ونقل و تأخیر در تأمین نهاده‌ها سخن می‌گویند، اما مصرف‌کنندگان نیز با افزایش قیمت مرغ در بازار برای تهیه این کالای اساسی به جهت گرانی آن با مشکل مواجه هستند.

موضوعی که بار دیگر توجه‌ها را به وضعیت زنجیره تولید تا مصرف این کالای اساسی جلب کرده است.

فشار پرواحدهای تولیدی

«ایسنا» به نقل از یک تولیدکننده گلستانی نوشت: «با افزایش ۶۰ تا ۷۰ درصدی هزینه نهاده‌ها و سایر مؤلفه‌های تولید، قیمت تمام‌شده هر کیلوگرم مرغ برای تولیدکنندگان به حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان رسیده و تأمین به‌موقع نهاده‌ها و سرمایه در گردش همچنان از مهم‌ترین چالش‌های این صنعت است.»

به گفته «محمود رویانی» در دوره پرورش ۴۲ تا ۴۵ روزه حدود ۳۵۰ تن مرغ تولید می‌کنیم، اما در کنار ظرفیت بالای تولید، چالش‌هایی همچون تأمین سرمایه در گردش، افزایش هزینه‌ها و دسترسی به نهاده‌ها

پیام پیراهون

موردنیاز خود مسافت ۱۰کیلومتری تا شهر عشق‌آباد را طی می‌کنند تا از اماکن عمومی شهرداری مانند پارک‌ها برداشت کنند.»

«حسن سیفی» به ایسنا گفته بود: «با اجرای یک پروژه عمرانی در شهرستان میان جلگه مشکل آب شرب ۳۰۰۰ نفر جمعیت روستایی برطرف می‌شود، خاطرنشان کرد: این پروژه آب‌رسانی از چاه شماره دو شهر عشق‌آباد مرکز شهرستان به دو مجتمع شهید قاسمی و حسین‌آباد عرب با هشت روستا انجام می‌شود. اجرای ۱۱.۵ کیلومتر خط انتقال آب به این دو مجتمع با تأمین لوله و اتصالات و نظارت آبقا و همیاری و مشارکت روستائیان، از ۲۰ فروردین امسال آغاز شده است، اهالی این روستاها سال‌ها از آب شرب کیفی محروم‌اند.»

آب با ماسه و نمک

به گفته او آب بهداشتی روستائیان از طریق یک حلقه چاه با توان هفت لیتر بر ثانیه، آن هم با ماسه‌دهی و شوری نسبتاً بالا تأمین می‌شود که اهالی را ناچار می‌کند برای تهیه آب شرب موردنیاز خود مسافت ۱۰ کیلومتری تا شهر عشق‌آباد را طی کنند تا از اماکن عمومی شهرداری مانند پارک‌ها برداشت کنند؛ «برداشت‌های دائمی مردم از این مکان‌ها، منجر اعتراض شهرداری به دلیل افزایش قبوض آب‌بپا شده است به‌گونه‌ای که نتهت‌ا از پرداخت قبوض خودداری می‌کند؛ بلکه تمایلی هم به تهاتر با آبفا ندارد. چند جلسه هم‌اندیشی برای رفع چالش آب روستاهای مذکور برگزار شد. با مساعدت مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب خراسان رضوی، تجهیز چاه شماره دو که پیش‌ازاین خرف شده بود و همچنین تأمین لوله و اتصالات موردنیاز خط انتقال در دستور کار آبفا قرار گرفت. قرار بود این پروژه در مسیر حاشیه جاده به طول تقریبی ۲۰ کیلومتر اجرا شود که با همکاری دهیاران و موافقت کشاورزان، لوله‌گذاری از اراضی کشاورزی و بدون تملک انجام و مسیر انتقال آب ۵۰ درص و هزینه‌های مربوط به تهیه لوله نیز کاهش قابل‌توجهی یافت. این پروژه مهم که به‌زودی تکمیل و با توان ابدهی هفت لیتر بر ثانیه وارد مدار می‌شود.»

آب هست؛ اما بی‌کیفیت

«عزت‌الله سلیمانی» فرماندار میان‌جلگه اما چندان روی خوش به روایت مردم و حتی مدیر آبنمای شهرستان نشان نمی‌دهد. او به «پیام ما» می‌گوید: «همه ۷۰ روستای شهرستان میان‌جلگه، به آب شرب بهداشتی دسترسی دارند. اما در این ۸ روستا کیفیت آب به دلیل لپشور بودن کمی پایین است. به همین دلیل قرار است به چاه شماره ۲ شهر عشق‌آباد وصل شودت تا آب فعلی با ترکیب آب شیرین کیفیت بیشتری پیدا کند.»

او ادامه می‌دهد: «در حال حاضر هم آب تأمین است، کابل انتقال آب از عشق‌آباد هم احداث و لوله‌گذاری انجام شده است. باید چاه تجهیز شود که تا اواخر همین ماه یا نهایتاً اواسط تیر از این آب بهره‌مند شود.»

حتی اگر زمان‌بندی فرماندار درست باشد هم، یک ماه دیگر اهالی این هشت روستا باید گالن بر دوش آب شرب موردنیاز خود را تأمین کنند. باری بر دوش که علاوه بر سختی، فرسودگی و آسیب‌های جسمی هم به همراه دارد. در شهرستان میان جلگه تانکرهای حمل آب وجود دارد. اسفند سال گذشته این تانکرها به سه روستا در نیشابور که به دلیل نقص فنی، در تأمین آب شرب دچار چالش شده بودند آب‌رسانی کردند. اما در این سال‌ها و با وجود آگاهی مسئولان از مشکلات هشت روستای دهستان عشق‌آباد، این تانکرها تا کنون برای آب‌رسانی اعزام نشدند.

مردان

شده است که گلستان نقش مهمی در تنظیم بازار گوشت مرغ کشور ایفا کند و در مواقع افزایش تقاضا نیز بخشی از نیاز استان‌های مختلف را تأمین کند. حفظ جایگاه استان در تولید مرغ و گوشت مرغ نیازمند استمرار حمایت از تولیدکنندگان، تأمین به‌موقع نهاده‌ها و توسعه زیرساخت‌های صنعت طیور است تا روند تولید پایدار و تأمین بازار مصرف کشور همچنان ادامه داشته باشد.»

صنعت تولید گلستان به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تأمین گوشت مرغ کشور، از یک سو با ظرفیت بالای تولید، وجود کشتارگاه‌های متعدد و نقش مؤثر در تأمین بازار تهران و استان‌های مختلف، جایگاه مهمی در امنیت غذایی کشور دارد و از سوی دیگر با مجموعه‌ای از چالش‌های اقتصادی از جمله افزایش هزینه‌های تولید، نوسان قیمت نهاده‌ها، تأخیر در تأمین مواد اولیه و کمبود سرمایه در گردش مواجه است که باعث شده تعادل میان تولید و بازار در وضعیت شکننده‌تری قرار بگیرد؛ به‌گونه‌ای که افزایش هزینه‌ها نه‌تنها بر تولیدکنندگان فشار وارد کرده، بلکه در نهایت در بازار مصرف نیز به شکل رشد قیمت مرغ خود را نشان داده است.

با این‌حال به نظر می‌رسد تداوم تولید پایدار در این صنعت، نیازمند مدیریت دقیق زنجیره تأمین، حمایت هدفمند از تولیدکنندگان و ایجاد ثبات در بازار نهاده‌ها و قیمت‌گذاری است تا جایگاه گلستان در تأمین مرغ کشور حفظ و تقویت شود.



آب‌بِری



ا خبر |

۳۲۷ واژگونی تانکر در کردستان تهدیدی برای رودخانه‌ها

ثبت ۳۲۷ واژگونی تانکر در کردستان، نگرانی‌ها درباره ایمنی جاده‌ها و تهدیدهای زیست‌محیطی را افزایش داده است. در میان ده‌ها آمار ارائه‌شده در نشست خبری امروز محیط‌زیست کردستان، شاید هیچ عددی به‌اندازه «۳۲۷ واژگونی تانکرهای حامل مواد سوختنی از سال ۱۳۸۸ تاکنون در استان» تأمل‌برانگیز نبود؛ آماری که در نگاه نخست تنها یک عدد به نظر می‌رسد، اما در واقع روایتی از ده‌ها حادثه، تهدید برای جان انسان‌ها، آلودگی منابع طبیعی و هزینه‌های سنگین اقتصادی و زیست‌محیطی است. کردستان استانی کوهستانی با محورهای مواصلاتی پرییع‌وخم و شیبه‌های تند است که سال‌هاست بخش مهمی از حمل‌ونقل سوخت و کالاهای خطرناک از مسیرهای آن انجام می‌شود. هر واژگونی تانکر علاوه بر احتمال بروز تلفات انسانی، می‌تواند خاک، رودخانه‌ها، سفره‌های آب زیرزمینی و پوشش گیاهی منطقه را نیز در معرض آسیب قرار دهد. از سوی دیگر این حوادث تنها یک مسئله ترافیکی نیستند؛ بلکه به بحرانی چندوجهی در حوزه محیط‌زیست، مدیریت بحران و زیرساخت‌های حمل‌ونقل تبدیل شده‌اند؛ بحرانی که نیازمند نگاه فرابخشی و اقدام پیشگیرانه است. «نگژال حبیب‌زاده»، معاون محیط‌زیست‌انسانی اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست کردستان، در نشست خبری هفته محیط‌زیست با اشاره به این موضوع گفت: از سال ۱۳۸۸ تاکنون ۳۲۷ مورد واژگونی تانکر در استان کردستان اتفاق افتاده‌که آمار قابل‌تأملی است و امیدواریم اقداماتی انجام‌شود که این آمارها کاهش یابد. هرچند وی جزئیاتی از میزان خسارت‌های زیست‌محیطی این حوادث ارائه نکرد، اما نفس تکرار چنین سوأنجی نشان می‌دهد که استان با یک چالش جدی و مزمن روبه‌رو است. کردستان با در اختیار داشتن حدود هفت درصد آب‌های سطحی کشور، یکی از استان‌های مهم از نظر منابع آبی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، نشت احتمالی فرآورده‌های نفتی ناشی از واژگونی تانکرها می‌تواند سلامت رودخانه‌ها، چشمه‌ها و منابع آب زیرزمینی را با مخاطره مواجه کند.

آلودگی نفتی علاوه بر آسیب به اکوسیستم‌های طبیعی، هزینه‌های سنگینی برای پاک‌سازی محیط و اختیار داشتن حدود هفت درصد آب‌های سطحی کشور، یکی از استان‌های مهم از نظر منابع آبی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، نشت احتمالی فرآورده‌های نفتی ناشی از واژگونی تانکرها می‌تواند سلامت رودخانه‌ها، چشمه‌ها و منابع آب زیرزمینی را با مخاطره مواجه کند.

آلودگی نفتی علاوه بر آسیب به اکوسیستم‌های طبیعی، هزینه‌های سنگینی برای پاک‌سازی محیط و اختیار داشتن حدود هفت درصد آب‌های سطحی کشور، یکی از استان‌های مهم از نظر منابع آبی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، نشت احتمالی فرآورده‌های نفتی ناشی از واژگونی تانکرها می‌تواند سلامت رودخانه‌ها، چشمه‌ها و منابع آب زیرزمینی را با مخاطره مواجه کند.

آلودگی نفتی علاوه بر آسیب به اکوسیستم‌های طبیعی، هزینه‌های سنگینی برای پاک‌سازی محیط و اختیار داشتن حدود هفت درصد آب‌های سطحی کشور، یکی از استان‌های مهم از نظر منابع آبی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، نشت احتمالی فرآورده‌های نفتی ناشی از واژگونی تانکرها می‌تواند سلامت رودخانه‌ها، چشمه‌ها و منابع آب زیرزمینی را با مخاطره مواجه کند.

آلودگی نفتی علاوه بر آسیب به اکوسیستم‌های طبیعی، هزینه‌های سنگینی برای پاک‌سازی محیط و اختیار داشتن حدود هفت درصد آب‌های سطحی کشور، یکی از استان‌های مهم از نظر منابع آبی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، نشت احتمالی فرآورده‌های نفتی ناشی از واژگونی تانکرها می‌تواند سلامت رودخانه‌ها، چشمه‌ها و منابع آب زیرزمینی را با مخاطره مواجه کند.

آلودگی نفتی علاوه بر آسیب به اکوسیستم‌های طبیعی، هزینه‌های سنگینی برای پاک‌سازی محیط و اختیار داشتن حدود هفت درصد آب‌های سطحی کشور، یکی از استان‌های مهم از نظر منابع آبی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، نشت احتمالی فرآورده‌های نفتی ناشی از واژگونی تانکرها می‌تواند سلامت رودخانه‌ها، چشمه‌ها و منابع آب زیرزمینی را با مخاطره مواجه کند.

آلودگی نفتی علاوه بر آسیب به اکوسیستم‌های طبیعی، هزینه‌های سنگینی برای پاک‌سازی محیط و اختیار داشتن حدود هفت درصد آب‌های سطحی کشور، یکی از استان‌های مهم از نظر منابع آبی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، نشت احتمالی فرآورده‌های نفتی ناشی از واژگونی تانکرها می‌تواند سلامت رودخانه‌ها، چشمه‌ها و منابع آب زیرزمینی را با مخاطره مواجه کند.

شماره‌سرپال سند مفقودی: ۴۴۸۲۵۷

تاریخ انتشار: ۱۹/۰۳/۱۴۵۵

سید مهدی حسینی کریمی

رییس اداره ثبت‌اسناد و املاک بابل

شناسه آگهی:۲۲۰۳۴۸۰



سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور اداره‌کل ثبت‌اسناد و املاک مازندران

«د آگهی فقدان سند مالکیت»»
آقای مجتبی پورعلی گنجی
استاد رسمی ۲۰۰ بابل تصدیق امضاء شده است و طی درخواست ۱۴۰۵/۰۶/۲۹۱۴۰۵۶۶۹۱۴۰۵۰۸۰۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۷ اعلام نمودند که سند مالکیت شش‌دانگ پلاک ۱۸ فرعی از ۲۳۶۶ - اصلی بخش دوغبر ثبت بابل ذیل دفتر الکترونیکی ۱۴۰۵/۰۴/۳۱۰۰۰۴۰۳۳۹۱۵ به نام ایشان ثبت و سند صادر گردیده بود برائثر جابجائی مفقود لذا در اجرای ماده ۱۴- اصلاحی آئین نامه قانون ثبت و تبصره‌های ذیل آن در یک نوبت آگهی منتشر می‌گردد چنانچه نسبت به درخواست سند المثنی معترضی باشد باید ظرف مدت ۱۰ روز اصل سند مالکیت یا سند معامله را به این اداره ارائه فرمایند در غیر اینصورت این اداره به وظیفه قانونی خود عمل خواهد نمود.

بلاتکلیفی بیمه رانندگان تاکسی اینترنتی

۹ ماه از طرح گذشته هنوز هیچ

«علی» بعد از جنگ ۱۲ روزه کاریش را از دست داد و مثل بسیاری دیگر راهی جز تاکسی اینترنتی نداشت. روزی ۱۴ ساعت کار بدون تعطیلی، با درآمد ساعتی ۲۰ه هزار تومان که ۷۰ میلیون آن را صرف استهلاک خودرو شد. می‌گوید فقط یک چیز می‌خواست: «اگر بیمه داشتم، احساس ثبات بیشتری می‌کردم.» این خواسته ساده، اما هنوز محقق نشده است.

مهر سال گذشته وزارت کار لایحه‌ای برای بیمه رانندگان کامیون و تاکسی اینترنتی تدوین کرد. قرار بود در مجلس بررسی و در صحن علنی مطرح شود. اما نزدیک به ۹ ماه گذشته و طرح هنوز در کمیسیون عمران مجلس متوقف مانده است. سازمان تأمین اجتماعی هم موضوع را در فهرست طرح‌های توسعه‌ای خود دارد و کارگروه ویژه‌ای تشکیل داده، اما در عمل هیچ تصمیمی گرفته نشده. وزارت کار اعلام کرده حدود ۶ میلیون نیروی فاقد پوشش بیمه در کشور وجود دارد که ۲ میلیون نفرشان در مشاغل اینترنتی فعالیت می‌کنند. جنگ اخیر این عدد را بزرگ‌تر کرد؛ موجی از بیکاران به سمت تاکسی‌های اینترنتی رفتند. پلتفرم تپسی در اردیبهشت امسال اعلام کرد نرخ جذب راننده در جنگ این ۱۵ تا ۱۵ درصد بیشتر از پیش‌بینی هایشان بوده است.

✘ مخالفت پلتفرم‌ها

پلتفرم‌های تاکسی اینترنتی می‌گویند موافق بیمه رانندگان هستند، اما نه با این شیوه. استدلالشان این است که رانندگان تابع پلتفرم نیستند و در کار خود استقلال دارند، پس رابطه کارفرمایی در کار نیست. فرشاد اسماعیلی، پژوهشگر حوزه کار ورفاه اجتماعی، این استدلال را در گفت‌وگو با «آنته آنلاین» رد می‌کند. به گفته او حقوق تأمین اجتماعی شاخه‌ای مستقل از حقوق کار است و اثبات رابطه کارگر–کارفرما شرط دریافت بیمه نیست. او سه شاخص را مطرح می‌کند: اول اینکه کار «فائمه به شخص» است و راننده نمی‌تواند حسابش را به دیگری واگذار کند. دوم، وابستگی اقتصادی؛ کرایه اول به‌حساب پلتفرم می‌رود و بعد سهم راننده پرداخت می‌شود. سوم، تبعیت سازمانی؛ راننده در تعیین نرخ، الگوریتم تخصیص صفر و نظام امتیازدهی هیچ نقشی ندارد.

اسماعیلی به رأی دادگاه آستردام در ۲۰۲۱ علیه اویر اشاره می‌کند که رابطه رانندگان با این پلتفرم را واجد ویژگی‌های قرارداد کار دانست. حتی رأی متفاوت دادگاه تجدیدنظر در ۲۰۲۶ هم نشان می‌دهد موضوع دیگر با ادعای ساده «همکاری مستقل» قابل حل نیست.

✘ از کمیسیون عمران تا اصل ۹۰ هیچ‌کدام نتیجه نداد

«روح‌الله وافری»، دبیر انجمن صنفی کارگران رانندگان اینترنتی، می‌گوید اعضای کمیسیون عمران مجلس هم به این نتیجه رسیدند که بیمه باید اجرا شود، اما پلتفرم‌ها از طریق مسیرهای فرعی مانع پیشرفت می‌شوند. انجمن صنفی نامه‌ای هم به کمیسیون اول ۹۰ نوشته و جلسه‌ای هم داشته، اما پاسخ آقای «پژمانفر» این بوده که باید ابتدا از مسیر کمیسیون عمران پیش رفت. نتیجه؟ کمیسیون عمران به جایی نرسیده، اصل ۹۰ هم ورود نکرده. وافری با صراحت می‌گوید: «کسی که کار می‌کند باید از بیمه درمان و ازا گرفتار باشد. به‌خصوص موتورسواران که بیشتر در معرض آسیب‌اند. این مطالبه نه تازه است، نه نپجیده. فقط هنوز کسی پاسخگویی آن نیست.»



۱۳۰۲

۱۳۰۲



سایه دوباره جنگ بر سر خوزستان

تهاجم هوایی به یکی از پتروشیمی‌های ماهشهر در جنوب خوزستان، از آغاز دوباره جنگ پس از دو ماه آتش‌بس شکننده خبر می‌دهد. حوالی ساعت ۷:۳۰ صبح دوشنبه ۱۸ خرداد «پتروشیمی کارون» در ماهشهر هدف حملات هوایی قرار گرفت. این پتروشیمی یکی از پنج‌واحدی بود که ۱۵ فروردین نیز بمباران شده بود. حالا در آستانه سالگرد آغاز جنگ ۱۲ روزه و درحالی‌که سرنوشت مذاکرات هنوز مشخص نشده، حملات دوباره ازسرگرفته شده و خبرهایی از تهاجم به چند استان از جمله اصفهان و تهران منتشر شده است.



اندازه واثلی زاده

روزنامه‌نگارا

۳۵ هزار نفر

درپتروشیمی‌های ماهشهر

مشغول به کار بودند

که با بمباران و تعطیلی

واحدها از فروردین‌ماه

با وجود وعده مدیران

مبنی بر عدم اخراج کارگران

با مشکلاتی همراه بوده‌اند

طرح ساخت شهربازی در «سرخه حصار» روی میز شهرداری تهران

منابع طبیعی: مجوز ندادیم

پای بوستان «سرخه‌حصار» دوباره به اخبار باز شده است، این بار نه برای درختانش. شهرداری منطقه ۱۳ همان جایی که پارک در آن قرار دارد، از ساخت شهربازی در این بوستان می‌گوید. سازمان منابع طبیعی اما می‌گوید مجوزی برای این کار داده نشده است.



اسوگل دانائی

روزنامه‌نگارا

نزدیک ظهر دوشنبه، (۱۸ خرداد) در غرب و جنوب تهران صدای پدافند بلند است. شهروندان دوباره یک چشمشان به آسمان و یک چشمشان به گوشی‌های تلفن همراه است تا از اخبار سردر بیاورند. سایه جنگ هنوز از سراسر ایران کم نشده‌که شهردار منطقه

۱۳، همان جایی که بوستان سرخه‌حصار در آن واقع شده است، می‌گوید به دنبال سرمایه‌گذار برای ایجاد ظرفیت‌های تفریحی جدید مانند شهربازی در فضای این پارک است. سرخه‌حصار در جنگ دوازده‌روزه و جنگ فعلی زیر آتش بوده است.

«محمدرحیم مرتضوی»، شهردار منطقه ۱۳ می‌گوید: «به دنبال سرمایه‌گذار برای ایجاد ظرفیت‌های تفریحی جدید همچون شهربازی‌ها و زمین‌های ورزشی فوتبال، والیبال، بسکتبال، ساحلی، چمن مصنوعی، بدل، تنیس، پینت‌بال و کارتینگ در فضای بوستان سرخه‌حصار هستیم.» اما آیا این فرصت سرمایه‌گذاری مجوزهای لازم را دارد؟ «مطهر محمدخانی»

گزارش استانداری خوزستان، در این هجوم، شرکت‌های پتروشیمی فچریک و ۲، بندر امام، رازی و کارون مورد اصابت قرار گرفتند که پنج شهید و ۱۷۰ مجروح به دنبال داشت. این بار پتروشیمی کارون دوباره هدف حملات قرار گرفته است. بنا بر اعلام پرتال اطلاع‌رسانی این شرکت، پتروشیمی کارون اولین تولیدکننده ایزوسیانات‌ها، مشتمل بر MDI و TDI و تکمیل‌کننده زنجیره ارزش پلی‌یورتان‌ها در خاورمیانه و غرب آسیا است. از جمله مهم‌ترین محصولات پایین‌دستی آن می‌توان به تولید انواع ابر اسفنج و فوم با کاربری در تولید میلمان، صندلی‌های اداری و خانگی و صندلی خودرویویارهای پیش‌ساخته و یخچال‌های خانگی و صنعتی و صنعت کیف و کفش اشاره کرد. کارمندیکی از شرکت‌های پتروشیمی ماهشهر و از اهالی این شهر به «پیام ما» می‌گوید: «صبح امروز صدای دو انفجار شدید در شهر شنیدیم که باعث لرزش درو پنجره‌ها شد و شهروندان را نگران کرد. گفته می‌شود که این حملات به دو بوویلر (دبک بخار) شرکت پتروشیمی کارون بوده که کار تأمین بخار برای سایر پتروشیمی‌ها را برعهده داشت که اگر این خبر صحت داشته باشد با این اتفاق مابقی واحدها دیگر قادر به کار نخواهند بود.» حملات دو ماه پیش به بخش یوتیلیتی شرکت فجر که تولید برق و آب را انجام می‌داد نیز مشکلاتی برای ادامه کار سایر واحدها ایجاد کرده بود. این شهروند ماهشهر که خواست نامش در گزارش ذکر نشود، در ادامه می‌گوید: «باتوجه‌به اطلاعیه دورکاری، امروز در محل کار حاضر نبودم، البته در روزهای عادی به دلیل حجم بالای کار اغلب بیش از ۳ درصد کارکنان در محل کارشان حضور داشتند. اگرچه نیروهای پروژه‌ای و پیمانکاری به دلیل تعطیلی برخی واحدها اخراج شده و سرکار نمی‌آیند،» به گفته او، «اکثون وضع شهر عادی است. تردد‌ها و حضور مردم در خیابان‌ها مثل گذشته است و پمپ‌بنزین‌ها هم وضعیت عادی دارند. باتوجه‌به اینکه واحدهای پتروشیمی خاموش بودند و مواد شیمیایی از مخازن تخلیه شده بود، به نظر نمی‌آید که فعلاً خطری از بابت تبعات زیست‌محیطی شهروندان را تهدید کند.و جای نگرانی نیست.»

او ادامه می‌دهد: «در بمباران قبلی پتروشیمی، در محل کارم بودم که حدود ۲۰ دقیقه جنگنده‌ها بالای سر ما پرواز می‌کردند و ۲۸ انفجار شدید در این مدت اتفاق افتاد که شرایط دلهره‌آوری را برای کارکنان رقم زد.»

✘ آلودگی محیط‌زیستی نادریم

منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر در محدوده‌ای به وسعت حدود ۴۰۰ هکتار در جنوب غربی ایران و در ساحل خلیج‌فارس واقع در شهرستان ماهشهر بخش بندر امام قرار گرفته است. در حال حاضر ۲۱ مجتمع تولیدی با ظرفیت اسمی ۶۶ میلیون تن محصول پتروشیمیایی در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی طراحی واحداث شده‌اند که حدود ۴ درصد ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی کشور است. بمباران پتروشیمی‌ها نگرانی از انتشار مواد آلاینده رایه دنبال دارد. «ایرج سلیمانی» رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست ماهشهر اما در گفت‌وگو با «پیام ما» انتشار آلودگی ناشی از بمباران پتروشیمی کارون وارد می‌کند.ومی‌گوید: «باتوجه‌به اینکه این پتروشیمی از مدار تولید خارج شده بود از جنبه محیط‌زیستی خطری نداشته و آلودگی

سختگویی شهرداری تهران به «پیام ما» می‌گوید: «به‌صورت کلی مسیر این اتفاقات باید از طریق سازمان سرمایه‌گذاری طی شود. جذب سرمایه‌گذار و مشخص‌کردن پیمانکار انجام می‌شود»

ضمن اینکه امور باید ذیل طرح تفصیلی تهران انجام شود.»

بررسی‌های «پیام ما» از سامانه شفافیت شهرداری تهران، ابعاد دیگری از این اخبار را نمایان می‌کند. شهربازی بوستان جنگلی سرخه‌حصار از جمله فرصت‌های سرمایه‌گذاری شهرداری در سال ۱۴۰۵ است که اردیبهشت‌ماه در این سامانه بازرگاری شده

است، با مساحتی حدود ۲۰۰ متر در قسمت وضعیت مالکیت، این طرح دارای «مجوز بهره‌برداری» عنوان شده است که می‌تواند بیش از ۴۸۸ میلیون آبراه تولید سرمایه‌گذاری داشته باشد. پهنه این طرح، «جی» است؛ یعنی فضای با کاربری باز و فضای سبز که بر اساس ضوابط باید پوشش گیاهی آن حفظ شود و هرگونه ساخت‌وساز در آن هم ممنوع است.

پارک سرخه‌حصار جزو اراضی ملی است و مالک اصلی آن هم سازمان منابع طبیعی است. شهرداری می‌گوید، بر اساس یک تقاضنامه، مدیریت و بهره‌برداری از این پارک به شهرداری واگذار شده است. اما آیا شهرداری از منابع طبیعی مجوزی گرفته است؟ «میرحامد اختری»، مدیرکل منابع طبیعی استان تهران می‌گوید: «هیچ مجوزی برای احداث شهربازی در پارک جنگلی سرخه‌حصار وجود ندارد و شهرداری صرفاً می‌تواند بر

نیز ایجاد نشده‌است.»

از تبعات محیط‌زیستی حملات ۱۵ فروردین به پتروشیمی‌ها تاکنون گزارشی منتشر نشده است. سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی مدعی شده بود: «مواد آلاینده احتمالی خطری برای شهرهای هم‌جوار ایجاد نکرده است.» همچنین «محمدجواد اشرفی» مدیرکل حفاظت محیط‌زیست به‌ایسنا گفته بود: «پتروشیمی کارون به دلیل تعطیلی در زمان بمباران، منجر به آلودگی محیط‌زیست نشد و از پتوشیمی بندر امام هم تنها مختصر گازی در لوله‌ها منتشر شد و در حوزه شرکت فجر هم مشکلی نداشتیم، اما واحدهای پتروشیمی برای کاهش اتفاقات و صدمات وارده، نسبت به سایر واحدهای پتروشیمی‌ها اقدام کردند که باتوجه‌به جهت باد‌های غالب از سمت خشکی به دریا، اثرهای فلرینگ به سمت نقاط زیستی به‌ویژه شهرهای بندر ماهشهر و بندر امام، هدایت نشد.» این در حالی است که گزارش‌های محلی از آلودگی هوا به دلیل فرسوزی شدید و تخلیه مواد شیمیایی به دریا حکایت دارد.

✘ نگرانی از اخراج کارگران

۳۵ هزار نفر در پتروشیمی‌های ماهشهر مشغول به کار بودند که با بمباران و تعطیلی واحدها از فروردین‌ماه، با وجود وعده مدیران مبنی بر عدم اخراج کارگران، با مشکلاتی همراه بوده‌اند. در جنگ اخیر ۲۶ شهروستان از گریز بودند که بنا بر اعلام استانداری خوزستان نتیجه آن شیک یک هزار پرتابه به ۲۰ نقطه بوده است. خوزستان که سومین هدف جنگنده‌های آمریکایی – اسرائیلی در ۴ روزه جنگ بود، به دلیل بمباران صنایع به‌ویژه پتروشیمی و فولاد و کارخانه‌های کشتی‌سازی جزو بیشترین استان‌های آسیب‌دیده از جنگ بوده است. چنان‌که دبیر اجرایی خانه کارگر خوزستان از بیکاری ۱۵۰ هزار کارگر در اثر جنگ خبر داد، اگرچه استانداری خوزستان تعدیل و اخراج کارگران را ممنوع اعلام کرده است.

خانه خوزستان اواخر فروردین‌ماه در بیانیه‌ای نسبت به اخراج کارگران هشدار داد: «بر اساس گزارش‌های میدانی بخش قابل‌توجهی از نیروهایی که در روزهای پراشتاب حملات ماندند و اجازه ندادند جریان انرژی و تولید کشور متوقف شود، امروز با نگرانی‌های جدی معیشتی و شغلی روبرو هستند. از جمله تأخیر در پرداخت مزایا، نابرابری میان نیروهای رسمی و پیمانکاری و مطرح‌شدن موضوعاتی همچون ارجاع کارگران به بیمه بیکاری، آن هم در زمانی که بیش از هر چیز باید از آنها حمایت شود.» همچنین «ابراهیم پیرایش» دبیر اجرایی خانه کارگر بندر امام، در خرداد در گفت‌وگو با «ایبنا» نسبت به موج جدید تعدیل نیروها و اخراج گسترده کارگران در ماهشهر و بندر امام هشدار داده و گفته است: «در حال حاضر آمار دقیقی نداریم، اما دست‌کم دوسه شرکت مستقر در منطقه ویژه اقتصادی در حال تعدیل نیرو هستند. این در حالی است که کارگران در اعتراض به این رویه، تجمعاتی را مقابل اداره کار، دادگاه‌ها و فرمانداری برگزار کرده‌اند. با وجود اینکه شورای کارگری فرمانداری مصوب کرده است که هیچ‌کدام از شرکت‌ها حق تعدیل نیرو و اخراج کارگر را ندارند، اما متأسفانه شرکت‌ها تمکین نمی‌کنند و به انحاء مختلف از اجزای این مصوبه سر باز می‌زنند؛ در نتیجه، کارگر در این مسیر مدام در حال دوندگی می‌حاصل است.»

اساس طرحی که به ما ارائه داده اقدام کند و در این طرح اثری از احداث شهربازی نیست.»

پارک ملی سرخه‌حصار در شرق تهران قرار دارد و مساحت آن بیش از ۹ هکتار است. درختان این پارک در ماه‌های اخیر کم آسیب ندیدند، شهردار منطقه ۱۳ می‌گوید: «درختان این بوستان که در گذشته غریب شد، مناسب با اقلیم و آب‌وهوای آن زمان بود؛ اما باتوجه‌به تغییرات آب‌وهوا دچار آسیب‌هایی شدند.»

اوبه جز تغییر اقلیم از کمبود بازندگی هم به‌عنوان یکی از دلایل آسیب‌این درختان در سال‌های اخیر نام می‌برد و تأکید می‌کند: «با همکاری بین سازمان منابع طبیعی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و وضعیت درختان این پارک که حتی دچار آفت و آسیب‌دیگی شده و در نهایت با حکم قطع شود، سریعاً نسبت به جایگزینی آن اقدام می‌کنیم.» به گفته او حدود ۷ سال است که افات در این بوستان هم شدید شده است، اتفاقی که بر اساس ادعای او موجب شده که پاراسل ۶ هزار درخت قطع شوند. با وجود وضعیت درختان این پارک که حتی مدیریت شهری هم آن را تأیید کرده و در کنار نگرانی‌ها درباره جنگ و ناامنی، پرسش دیگری نیز درباره سرخه‌حصار مطرح است؛ آیا در یکی از قدیمی‌ترین پارک‌های ملی تهران شهربازی ساخته خواهد شد یا نه؟

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری مشکین دشت از طریق سامانه الکترونیکی دولت

شهرداری مشکین دشت در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه های ذیل از طریق سامانه الکترونیکی دولت اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پانکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(استاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. از تاریخ چاپ اول اسناد آماده ارائه از طریق سامانه الکترونیکی میباشد.

ردیف	نوع پروژه	مبلغ پروژه به ریال	سپرده شرکت در مناقصه به ریال	توضیحات
۱	اجرای فاز سوم احداث ساختمان مهندسی زراعی	۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	داشتن حداقل رتبه ۵ ابنیه، تاسیسات برقی و تاسیسات مکانیکی الزامیست
۲	تکمیل مجموعه ورزشی ابراهیم آباد (شهید میر غفاری)	۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	داشتن حداقل رتبه ۵ ابنیه، تاسیسات برقی و تاسیسات مکانیکی الزامیست

***مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت:**ازساعت ۸ صبح روزشهارشنبه ۱۴۰۵/۳/۱۳ لغایت روز سه شنبه ۱۴۰۵/۳/۱۹

***مهلت زمان ارائه پیشنهاد :** از روز چهارشنبه ۱۴۰۵/۳/۱۴ لغایت ساعت ۱۲:۰۰ روز یکشنبه ۱۴۰۵/۳/۲۱

زمان بازگشایی پیشنهادها : ساعت ۱۰:۰۰ روز یکشنبه ۱۴۰۵/۳/۲۱

هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

*شهرداری در رد با قبول پیشنهادها مختار میباشد.

*مبلغ سپرده شرکت در مناقصه بصورت ضمانت نامه بانکی که بمدت ۹۰ روز حداقل دارای اعتبار و قابل تمدید باشد و در شماره حساب

۰۹۱۹۸۵۲۹۴۰۹، نزد بانک ملی ایران شعبه مشکین دشت.

*برندگان نفر اول تا سوم هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سبده آنان بر ترتیب ضبط خواهد شد.

*به پیشنهادهای مخدوش ، ناخوانا ، مبهم ترتیب اثر داده نخواهد شد.

*بازگزاری تضمین ضمانت نامه شرکت در مناقصه در سامانه تدارکات و ارائه اصل ضمانت نامه به شهرداری الزامی می باشد.

*سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه مندرج است.

اطلاعات تماس : دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه شهرداری مشکین دشت ، تلفن : ۰۴۴۰-۳۶۰-۲۶ داخلی ۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸

اطلاعات تماس دفتر ثبت نام استانها، در سایت سامانه (**www.setadiran.ir**) بخش *ثبت نام /رفايل تايمين کننده / مناقصه گر * موجود است.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۳/۱۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۳/۱۹

علی سلگی – شهردار مشکین دشت

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال
از اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال
به اداره آرشاد اسلامی شهرستان ماسال

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و

ساختن‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۱۳ تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه پلم‌عارض

مقتضای آقای / خانم سیده حدیچه جلالیان و شمه سرایی فرزند سید فحاح بشماره شناسنامه ۱۷۱۶ صادره از ماسال در شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۱۰ مترمربع مشتمل بر بنای ادحاتی به مساحت ۲۱۰ مترمربع پلاک فرعی ۴۶ از اصلی ۱۶ بخش ۲۶ گیلان واقع در نساء ماسال خریداری از مالک رسمی و ... محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مرتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۳/۰۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۳/۱۹

پداله شهبازی جمله سرا

سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماسال

از طرف صانئه امجدی

شناسه آگهی: ۲۱۷۸۵۵۸۶ م الف/۴۹۵

روزنامه پیام

www.payamema.ir

● شنبه ۱۹ خرداد ۱۴۵۷ ● سال بیست و دوم ● شماره پیاپی ۳۴۲۲ ●

توزیع تهران: ۴۰۰۰ (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰)
توزیع استان‌ها: جرای (۰۹۱۲۱۳۱۰۸۹)
چاپ: شاخه سبز (۰۵۸۳۳۴۴۴۵۶)

ا سینما

مستند ایرانی برگزیده جشنواره‌ای در (ونیز)

مستند «تنها نخواهم ماند» به کارگردانی یاسر طالبی و تهیه‌کنندگی فریبا عرب و یاسر طالبی موفق به دریافت جایزه فرانچسکو پاسینتی برای بهترین فیلم از بیست و سومین دوره جشنواره فیلم پاسینتی ایتالیا شد. این جایزه که بالاترین نشان جشنواره محسوب می‌شود، از میان بیش از دو هزار فیلم انسانی از سراسر جهان به «تنها نخواهم ماند» تعلق گرفت.
داوران جشنواره در بیانیه خود درباره این فیلم اعلام کردند: «این فیلم با عمق و ظرافتی نظیر نغم رنج دو پدر و مادری را روایت می‌کند که ناگزیر از ادامه زندگی پس از فقدان فرزندشان هستند. انژی سرشار از عشق و همدلی که از مرزهای فرهنگی فراتر می‌رود و در عمل اهدای عضو، امکان دوباره‌ای برای تولد و امید می‌یابد. کارگردانی دقیق و توجه به جزئیات، همراه با فیلم‌برداری حساس و تأثیرگذار، لحظات ساده روزمره را به تصاویری سرشار از معنا تبدیل کرده و مخاطب را در سفری صمیمی و جهانی درباره سوگ، حافظه و توانایی انسان برای ادامه عشق ورزیدن همراه می‌کند.»
«تنها نخواهم ماند» پیش‌تر در جشنواره‌های بین‌المللی به‌نمایش درآمده و داستان زوج سالخورده‌ای را روایت می‌کند که پس از مرگ مغزی فرزندشان، با تصمیمی دشوار و سرنوشت‌ساز، اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا می‌کنند. فیلم پنج سال بعد دوباره به زندگی این خانواده بازمی‌گردد و تأثیر این تصمیم را بر زیست و جهان بینی آنان دنبال می‌کند. بیست و سومین دوره جشنواره فیلم پاسینتی از ۲۸ تا ۳۰ مه ۲۰۲۶ (هفت تا نهم خردادماه) در ونیز ایتالیا برگزار شد. عوامل این مستند عبارت‌اند از کارگردان یاسر طالبی، تهیه‌کننده: فریبا، عرب یاسر طالبی، نویسنده: دکتر علی رضانی پاجی، فیلم‌بردار: فرح بخش فرهیدینا، محمودرضا مافی قزوین‌ها، تدوینگر: یاسر طالبی، صدابردار: حسن جعفری، صداگذار: رامین ابوالصدق، موسیقی: اکبر رستگار محقق؛ فرزانه فتحی. | ایسنا

ا کتاب

کتاب «محیط‌زیست از نگاه هنرمندان» رونمایی شد

روایت ویرانی زمین به زبان هنر

هنر شاید نتواند جلوی خشک‌شدن تالاب‌ها، آتش‌سوزی جنگل‌ها یا آلودگی هوا را بگیرد، اما می‌تواند آنچه را در حال رخ‌دادن است ثبت و روایت کند. این همان کاری است که هنرمندان عکاس، کاریکاتوریست و گرافیک در کتاب «محیط‌زیست از نگاه هنرمندان» انجام داده‌اند که روایتی از محیط‌زیست ایران و شاهدهی بر زخم‌ها و آسیب‌های آن است. نهض و چهل و نهمین شب از شب‌های مجله بخارا روز یکشنبه (۱۷ خرداد ۱۴۵۷) به رونمایی این کتاب در تالار استاد جلیل شهنواز خانه هنرمندان ایران اختصاص داشت و «ابراهیم حقیقی» طراح گرافیک، «احمد عربانی» کاریکاتوریست و «سیف‌الله صمدیان» عکاس و مستندساز درباره محیط‌زیست ایران به روایت هنرمندان سخنرانی کردند.

عقوب‌زاده، «پیمان هوشمندزاده»، «نیوشا توکلیان» در بخش عکس، جواد علیزاده، بزرگمهر حسین‌پور،مهدی کریم‌زاده در بخش کاریکاتور،ابراهیم حقیقی، رضا عابدینی و مریم کهوند در بخش پوستر و ساعد نیک‌ذات، محمد شیروانی، شهرام مگری در بخش فیلم انتخاب شده‌اند.

در این نشست «ابراهیم حقیقی» صحبت‌های خود را با نام کتاب آغاز کرد؛ «فکر می‌کنم نام کتاب غلط است. اسم کتاب باید نابودی محیط‌زیست می‌بود. محمدمهدی عسگریور در مقدمه به‌درستی نوشته است «تصاویر تأسفبار محیط‌زیست در جهان و مخصوصاً ایران». فقط چند عکس در کتاب وجود دارد که پرندگان در حال پروازند یا در روخانه‌ای بعضی دارند قایق‌سواری می‌کنند؛ اما بقیه تصاویر درباره نابودی محیط‌زیست است.» او درباره آثار موجود در کتاب درباره محیط‌زیست ایران گرافیک‌ست ایرانی است. آثار برگزیده با دآوری «آلفرد



ا ایدیات

مسئله «مخاطب» در ادبیات داستانی معاصر فارسی

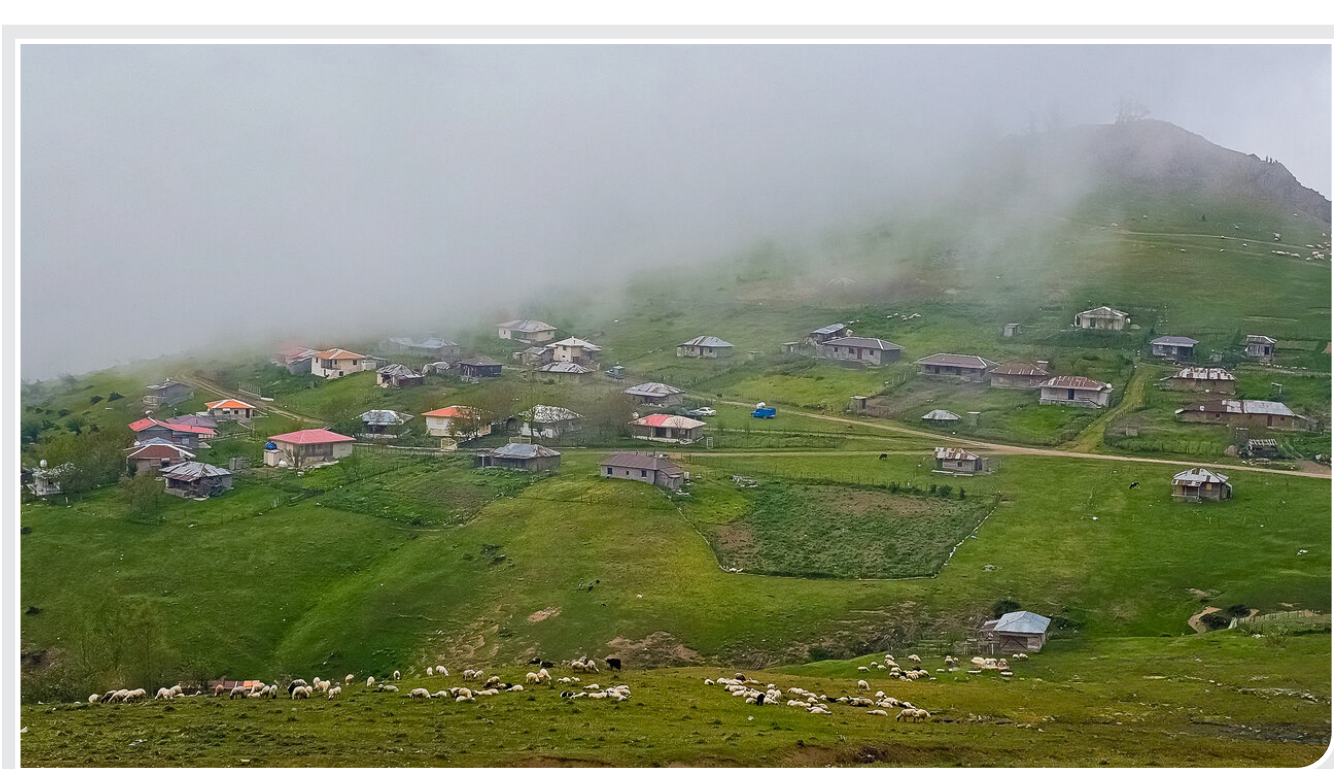
چه کسی امروز داستان فارسی می‌خواند؟

در نظریه‌های خواننده‌محور معنا محصول کنش خوانش است. «ولفگانگ آیزر» با طرح مفهوم «خواننده فرضی» نشان می‌دهد که هر متن ادبی در ساختار خود تصویری از خواننده‌ای بالقوه را درون خود تعبیه می‌کند؛ خواننده‌ای که قرار است با پر کردن «نقاط خالی متن» معنا را فعلیت ببخشد؛ اما در ادبیات داستانی معاصر فارسی، این خواننده فرضی بیش‌ازپیش، از خواننده واقعی فاصله گرفته است؛ به‌گونه‌ای که متن‌ها اغلب برای مخاطبی انتزاعی، حرفه‌ای یا بسیار محدود نوشته می‌شوند.

«استفنی اسلی» با مفهوم «جماعت‌های تفسیری» این مسئله را رادیکال‌تر می‌کند؛ معنا نه در متن، بلکه در درون گروه‌هایی از خوانندگان شکل می‌گیرد که شیوه‌های داستانی برای تفسیر دارند. اگر این مفهوم را به سبتر درشت‌ان ایرانی تعمیم دهیم، آنچه امروز با آن مواجهیم فقدان مخاطب نیست، بلکه تکثر جماعت‌های تفسیری است؛ جماعت‌هایی که هر یک در

روزنامه سیاسی – اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌انته خدشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدشی

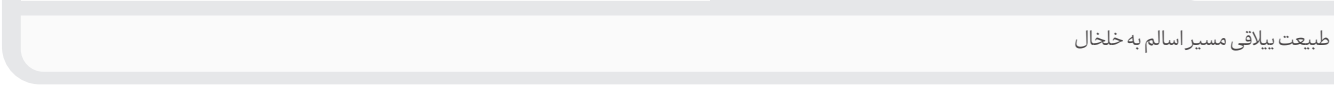
					
دبیر محیط زیست؛ فاطمه باخانی دبیر گزارش؛ مهتاب جودکی دبیر میراث و گردشگری؛ فرزانه قبادی دبیر خبر؛ یاسر مختاری دبیر صفحه‌آخر؛ صدف سرداری	دبیر فرهنگ و هنر؛ زهرا علی ملازاده صفحه‌آرایی؛ آناه شریف‌زاده کارتنویست؛ مجتبی ملازاده بازاریابی و تبلیغات؛ محمد زز اداری؛ فاطمه آقامالیی، شیواکوی	رتبه روزنامه پیام ما : ۲			
تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰ شماره نمابر: ۰۲۱-۷۴۲۲ ۷۱۰۵	برگزاری رویداد: داخلی ۳ مدیرمسئول: داخلی ۴	آگهی استان‌ها: عرفانه بهرام‌جردی ۰۹۰۵۲۱۲۵۵۹ آگهی‌های تهران: لیلی میرافصل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶	آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما: www.payamema.ir/akhlagh		
تلفن: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰ تلفن: ۰۳۴-۳۴۴۸۰۰۶	ایمیل سازمان آگهی‌ها: payamema.adv@gmail.com ایمیل تحریریه: khabar.payamema@gmail.com	@payamema www.payamema.ir	۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴		



عکس نوشت

طبیعت بیلایی مسیراسالم به خلخال

عکس: رضا قلیچ‌خانی - ایمنما



می‌شد.» مثال دیگری که حقیقی به آن اشاره کرد تجربه دوران کرونا بود: «در آن بحران بزرگ اجتماعی هم کمتر شاهد پوسترهای آگاه‌کننده مؤثر بودیم، درحالی‌که کارخانه‌ها مانند میله‌های زندان چسبیده‌است. موضوع نشان می‌دهد ما علاوه بر بحران محیط‌زیست، بحران آموزش در حوزه طراحی اجتماعی رویه‌رو هستیم.»

ا پلاستیک‌هایی که در طبیعت حل نمی‌شوند

«احمد عربانی» در ادامه این نشست با نگاه طنز به مسائل و مشکلات محیط زیستی ایران اشاره کرد: «در همه روایت‌ها از ایرانیان گفته شده که مردمی بلندنظر، مبادی‌آداب، مهمان‌نواز و دست‌ودل‌باز هستند. اما در این سال‌ها وقتی در جاده‌ها، به‌ویژه در شمال کشور سفر می‌کنیم، با انبوهی از بطری‌های پلاستیکی و پاره‌هایی رویه‌ر می‌شویم که در طبیعت رها شده‌اند و گوئی در طبیعت حل نمی‌شوند.» عربانی به آثار این مجموعه‌ه روایتی از معضلات محیط‌زیستی اکنون ایران است، اشاره کرد: «در کاریکاتور جمال رحمتی، زباله‌ها از درون ماشین بیرون می‌روند، تصویریک درخت را روی دیوار نقاشی می‌کنند. در کار علی‌رضا کریمی مقدم نیز مردی درخت تنومندی را که به آن تابی بسته شده با تیر قطع می‌کند، درحالی‌که طفلی روی تاب با ناراحتی به این صحنه نگاه می‌کند.» این کاریکاتوریست درباره آثاری که آلودگی هوا را به تصویر می‌کشند، گفت: «مسئله دیگر محیط‌زیست، دزدایی کارخانه‌ها و امثالهم است که حتی کاغذ‌ها، ماسک ضد‌دود به چهره زده‌اند؛ مانند کاریکاتور حیدر رضایی، در کاریکاتور فیروزه‌مظفری مردی فضای سبز و گل‌ها را درون چمدانی گذاشته و با خود می‌برد، درحالی‌که پشت سرش دود کارخانه‌ها جولان می‌دهند. در کار مجتبی حیدرپناه هم دوده‌های کارخانه‌ها را تصویر کرده که قوس زیبای رنگین‌کمان را قیچی می‌کنند.»

عربانی ادامه داد: «هادی حیدری آهنگ‌سازی را تصویر کرده‌که با حسرت ملودی را بر بزرگی خزان می‌نویسد. در اثر علی‌رضا پاکدل نیز پیرزنی از صندوقچه‌اش آسمانی پاک و آبی را به کودکان نشان می‌دهد. سلمان طاهری جانوران معصوم و بی‌گانه‌ی را کشیده که به بقایای درختی نیمه‌جان پناه برده‌اند. در کار جمال رحمتی هم سرچپه‌ای فیلترهای سیگار را جمع می‌کند و در خیال خود آن‌ها را به پروانه تبدیل می‌کند.»



ادبی به عنوان میدان قدرتی دیده می‌شود که می‌تواند از زبان روزمره فاصله بگیرد و به خودبستگی برسد؛ امری که هم امکان خلاقیت ایجاد می‌کند و هم خطر فاصله‌گیری از مخاطب عام را افزایش می‌دهد. در سوهیه مقابل، تأکید بیشتری بر پیوند ادبیات با زندگی اجتماعی وجود دارد. در این رویکرد از آثاری که بیش از حد در فرم و زبان غرق می‌شوند و از تجربه عمومی جامعه فاصله می‌گیرند انتقاد می‌شود. اگرچه این نگاه، گاهی اوقات هنجارمحور است، اما به یک مسئله واقعی اشاره دارد: شکاف میان تجربه عمومی و زبان ادبی نخبه‌گر. در واقع در ادبیات داستانی معاصر ایران، نویسندگان جوان‌تر بیش از مخاطب عمومی، برای حلقه‌های نقد ادبی و نهادهای فرهنگی می‌نویسند. برای فهم دقیق مسئله مخاطب، باید آن را در بستر تاریخی ادبیات ایران پس از انقلاب قرار داد. میدان ادبی ایران، تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل ساختاری عمومی، برای حل‌قعه‌های نقد ادبی و نهادهای فرهنگی می‌نویسند. برای فهم دقیق مسئله مخاطب، باید آن را در بستر تاریخی ادبیات ایران پس از انقلاب قرار داد. میدان ادبی ایران، تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل ساختاری غیررسمی، سیاست‌های فرهنگی، سانسور رسمی و غیره داشته‌است. سانسور در ایران نه تنها بر محتوا، بلکه بر فرم روایت نیز اثر گذاشته و به شکل‌گیری شیوه‌های غیرمستقیم بیان، مانند استعاره، یک‌سازی، چندلایگی و روایت‌های پیچیده انجامیده‌است. این امر در برخی موارد به خلاقیت سبکی منجر شده، اما هم‌زمان فاصله میان متن و مخاطب عام را نیز افزایش داده است. علاوه‌برآن،

ساختار نشر و بازار کتاب نیز نقش مهمی در شکل‌گیری مخاطب دارد. افزایش قیمت کتاب، کاهش قدرت خرید، رقابت رسانه‌های دیجیتال باعث شده است که مصرف ادبیات داستانی کاهش یابد و مخاطب به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم شود. در وضعیت کنونی، مخاطبان داستان فارسی را می‌توان به سه گروه اصلی، البته با هم‌پوشانی‌های متعدد تقسیم کرد: دسته اول، خوانندگان طبقه متوسط شهری که عمدتاً در کلان‌شهرها زندگی می‌کنند و ادبیات را به‌عنوان سرمایه فرهنگی مصرف می‌کنند. دسته دوم، نخبگان ادبی شامل نویسندگان، منتقدان و دانشگاهیان که بخشی از چرخه تولید معنا را شکل می‌دهند و دسته آخر مخاطبان دیاسپورایی که از طریق ترجمه یا شبکه‌های فراملی با ادبیات فارسی ارتباط دارند و خوانش آن‌ها با تجربه مهاجرت و هویت گریزخورده است. این سه گروه نه یکپارچه‌اند و نه هم‌افق؛ بلکه هر یک در چارچوب تفسیری متفاوتی عمل می‌کنند.

متونی که برای یک گروه دشوارند، ممکن است برای گروهی دیگر کاملاً معنادار باشند. البته باید این نکته را نیز اضافه کرد که در کنار این جریان، ادبیات عامه‌پسند نیز به حیات خود ادامه می‌دهد و در قالب‌های ژانری مانند رمان عاشقانه، جنایی یا تاریخی مخاطبان گسترده‌تری دارد، هرچند کمتر در نقد ادبی رسمی دیده می‌شود.



پیام ما دیروز

ا موسیق

کنسرت‌ها به خیابان می‌آیند؟

مدیرکل دفتر موسیقی با اعلام حمایت از کنسرت‌های خیابانی، ابزار آمیدواری کرد پس از ماه‌های محرم و صفر. امکان برگزاری کنسرت‌های خیابانی فراهم شود. «بابک رضایی»، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره برگزاری کنسرت‌های خیابانی با توجه‌به اعلام آمادگی برخی هنرمندان موسیقی از جمله مصطفی راغب و همچنین لغو کنسرت خیابانی همایون شجریان در سال گذشته‌که بسیار بحث‌برانگیز شد، گفت: «ما از این ایده حمایت می‌کنیم و حتی می‌توان گفت خودمان از مطرح‌کنندگان و پیگیران اصلی آن بودیم. سال گذشته، با وجود اینکه امکان برگزاری کنسرت خیابانی با حضور آقای (همایون) شجریان فراهم نشد، شهرداری تهران، بلافاصله پس از آن در حاشیه دریاچه خلیج‌فارس برنامه‌هایی را در فضای باز برگزار کرد که با حضور تعدادی از خوانندگان پاپ و هنرمندانی چون آقای سالار عقیلی همراه بود.»

او ادامه داد: «در واقع، همان فضایی که پس از جنگ ۱۲ روزه و حضور میدانی موسیقی شکل گرفته بود، تا زمانی که شرایط آب‌وهوایی اجازه می‌داد ادامه پیدا کرد. اما با سرد شدن هوا، ناامان‌ب شدن شرایط جوی و رخدادهای بعدی، از جمله اتفاقات دی‌ماه و سپس جنگ رمضان، ادامه این روند با محدودیت‌هایی مواجه شد. امیدواریم در دو ماه محرم و صفر شرایط کشور به بهترین شکل پیش برود و پس از آن، با ثبات و آرامش بیشتر، امکان برنامه‌ریزی برای اجرای دوباره این‌گونه برنامه‌ها فراهم شود. شهرویه‌ها، پس از پایان ایام محرم و صفر، به‌ویژه هم‌زمان با اعیاد و میلاد پیامبر اکرم (ص)، فرصت مناسبی خواهد بود تا بخشی از برنامه‌های میدانی و کنسرت‌های فضای باز را دوباره طراحی و اجرا کنیم.»

رضایی اظهار کرد: «ما آمادگی کامل برای همکاری با شهرداری را داریم و خوشبختانه ارتباط و همکاری خوبی به مجموعه فرهنگی شهرداری برقرار است. امیدواریم با همراهی آنها، زمینه برگزاری کنسرت‌های خیابانی برای هنرمندانی همچون آقای راغب و سایر هنرمندان کشور فراهم شود و مردم بتوانند از این برنامه‌ها بهره‌مند شوند.»

مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین درباره اطلاع و پیگیری این دفتر از مسائل پیش‌آمده برای تعدادی از هنرمندان به ایسنا گفت: «چنین مواردی بسیار محدود و انگشت‌شمار بوده‌است. ما همواره تلاش کرده‌ایم با نهادهای حقوقی و قضایی که در برخی موارد نسبت به کنش‌ها یا موضع‌گیری‌های هنرمندان حساسیت‌یابی دارند، گفت‌وگو و تعامل داشته باشیم. هدف این بوده است که این مسائل در فضای همراه با درک متقابل و با رویکردی مبتنی بر رأفت و نگاه حمایتی حل‌وفصل شود.»

رضایی افزود: «در این مسیر هم با هنرمندان در ارتباط هستیم و هم تلاش می‌کنیم این ارتباط دوسویه را به سمتی هدایت کنیم که مسائل پیش‌آمده با کمترین تنش و بهترین نتیجه ممکن به سرانجام برسد.» | ایسنا



آگهی مفقودی

کلیه مدارک ماشین خودرو سواری - سواری پژو پارس معمولی، مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید صدفی به شماره موتور: 124K0168289 با شماره شاسی: NAANO1C4ADH673993 با شماره پلاک ۹۵ ۱۹۱ ایران ۷۵ به نام نادر مرادی پرواز مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

رودبار جنوب

نوبت اول

شهرداری رفسنجان

(آگهی مناقصه عمومی)

شهرداری رفسنجان در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب شماره ۱۳۸۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ شورای محترم اسلامی شهر، نسبت به احداث فاز اول (سازه ساختمان) مسجد واقع در بوستان معلم از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت‌های واجد صلاحیت که توانایی لازم جهت شرکت در مناقصه را دارند، دعوت بعمل می‌آید نسبت به دریافت اسناد و اطلاع از شرایط شرکت در مناقصه به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند.

مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ ۱۴:۰۵

آخرین مهلت ارائه پیشنهادات از طریق سامانه مذکور تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۴ ۱۴:۰۵

لازم به ذکر است شهرداری رفسنجان در رد یا قبول تمام یا هر یک از پیشنهادات مختار است.) مهلت تحویل ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه ۲ روز قبل از بازگشایی پاکات

تلفن تماس ۰۳۴۲-۳۴۲۵۸۸۰

اداره ارتباطات و امور بین الملل شهرداری رفسنجان